

متن‌های سفر در بایگانی بارو تخت جمشید

لیلا مکوندی^۱

چکیده

بایگانی بارو تخت جمشید متعلق به سال ۱۳ تا ۲۸ سلطنت داریوش بزرگ، مربوط به تولید، ذخیره و پخش محصولات غذایی، پرداخت این مواد به صورت جیره‌های مختلف به شاه و درباریان، کارمندان، مسافران، کارگران، اجراکنندگان مراسم مذهبی در محدوده فارس و بخشی از خوزستان است. این الواح کوچک گزارشی که شاید در نگاه اول بسیار ساده به نظر برسند ما را به ساختار و روند فعالیت‌های اجتماعی، اداری و اقتصادی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی وارد می‌کنند. متن الواح بارو بر مبنای موضوع به ۳۲ گروه تقسیم‌بندی شده‌اند. در این مقاله متن‌های سفر بر مبنای شاخصه‌های کلی همانند کارمندان تهیه‌کننده کالا، مهرها، ناحیه‌های جغرافیایی، تاریخ، مسافران، جیره‌های پرداختی و مقدار آنها و سند مهرشده طبقه‌بندی می‌شوند. در پژوهش حاضر، ۷۱۹ متن سفری که تاکنون خوانده شده، بررسی و علاوه بر این از متن‌های گروه‌های دیگر نیز آنهایی که مرتبط با بحث است، به مجموعه مطالعاتی اضافه شده‌اند. مطالعه داده‌ها نشان می‌دهد که روند فعالیت اداری در متن‌های سفر چگونه است، تهیه‌کنندگان کالا، محدوده شغلی و ارتباط آنها با مهرها به چه صورت است. چه نوعی از متن‌ها دارای مهر و چه نوعی بدون مهراند و چگونه این مسئله با نوع متن الواح در ارتباط است، اگرچه در برخی از موارد به دلیل کمبود مدارک، نمی‌توان به شناخت درست دست یافت.

واژه‌های کلیدی: شاهنشاهی هخامنشی، تخت جمشید، داریوش بزرگ، بایگانی بارو، متن‌های

سفر

۱- مقدمه

از مهم‌ترین منابع اصلی اولیه برای مطالعه دوره هخامنشی، بایگانی بارو تخت جمشید است که در سال ۱۹۳۳ از تخت جمشید، در مرکز شاهنشاهی هخامنشی به دست آمده است.^۲ بایگانی بارو مربوط به بازه زمانی سال‌های ۴۹۳-۵۰۹ ق.م (سال سیزدهم تا بیست و هشتم سلطنت داریوش بزرگ) است.

^۱ - استادیار، رشته باستان‌شناسی گرایش دوران تاریخی، دانشگاه جیرفت Leila_makvandi@yahoo.com

^۲ - برای مطالعه مباحث مربوط به حفاری دیوار بارو تخت جمشید نگاه کنید به کامرون، ۱۹۴۸: ۱ و ۱۸-۱۹؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱: ۲۳-۲۲؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۶۹-۷۱؛ هرتسفلد، ۱۹۴۱: ۲۷۱؛ کرفت، ۱۹۷۱: ۸۶-۸۸؛ موسوی، ۱۹۹۲: اشمیت، ۱۹۵۳: ۳-۴ و ۱۹۵۷: ۴-۵.

مجموعه شامل حدود ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰ لوح نوشته شده به میخی عیلامی هخامنشی^۱، حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ لوح به خط آرامی^۲ و حداقل ۵۰۰۰ لوح نوشته نشده، دارای اثر مهر^۳ است، البته اکثر لوح‌های عیلامی-هخامنشی و آرامی نیز مهر شده‌اند.

متن‌ها مربوط به تولید و ذخیره محصولات غذایی محلی، پرداخت آنها به صورت جیره‌های حقوقی یا برای مراسم مذهبی و خدایان، درباریان و بزرگان، کارمندان، صنعت‌گران، کارگران، مسافران و حیوانات است. چنانچه داده‌های متن‌ها ما را در مورد نوع محصولات تولیدی منطقه، استفاده آنها، نگهداری حیوانات و نوع آنها مطلع می‌سازند. همچنین ما را از شیوه‌های سازماندهی، کنترل و مدیریت، مالیات، پیشرفت‌های اقتصادی، راه‌های شاهی، جایگاه زنان، سازماندهی و کنترل نیروهای کاری و کارگران با حرفه‌های مختلف، مراسم مذهبی و آیینی و جنبه‌های متعدد دیگر آشنا می‌سازند.^۴ در واقع این لوح‌های کوچک گزارشی که شاید در نگاه اول بسیار ساده به نظر برسند ما را به دنیای شاهنشاهی هخامنشی وارد می‌کنند.

هلوک بر اساس نوع متن لوح‌ها آنها را در ۳۲ گروه بر اساس حروف الفبا از A-W طبقه‌بندی کرده^۵ که برخی از گروه‌ها خود بر اساس تفاوت‌های اندک به زیرگروه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند. هر یک از گروه‌ها دارای ویژگی‌های متنی مشخصی است، اگرچه برخی از گروه‌های متنی با توجه به ویژگی‌های خاص اطلاعاتی که دارند نسبت به گروه‌های دیگر اهمیت بیشتری دارند.^۶ متن‌های سفر یکی از همین گروه‌های متنی شاخص‌اند که در واقع بیشترین لوح‌های یک گروه متنی در بایگانی را دارند. این متن‌ها

^۱ - برای مطالعه بحث‌های مربوط به لوح‌های نوشته شده به عیلامی هخامنشی، شکل الواح و چگونگی تهیه آنها نگاه کنید به بروسوس، ۲۰۰۳: ۲۶۶-۲۶۷ و ۲۷۸-۲۸۱؛ گریسون، ۱۹۸۸: ۱۸۱-۱۸۲ و ۱۹۹۱؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱: ۳۰-۳۱؛ هلوک، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵؛ هنکلن، ۲۰۰۸: ۱۳۶ و ۱۴۰-۱۴۲؛ جونز و استولپر، ۱۹۸۴؛ کخ، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰؛ لويس، ۱۹۹۴.

^۲ - برای مطالعه درباره کاربرد خط آرامی در بایگانی بارو و دوره هخامنشی نگاه کنید به بریان، ۱۹۹۶: ۹۸۱؛ کامرون، ۱۹۴۸: ۳۰-۳۱؛ داندامایف، ۱۹۷۶: ۲۴-۴۲؛ دوزینبره، ۲۰۰۸؛ گرینفیلد و پورتن، ۱۹۸۲؛ هرتسفلد، ۱۹۳۸: ۱۳؛ هینز، ۱۹۷۱: ۲۶۴؛ تاورنیه، ۲۰۰۸: ۷۴.

^۳ - نگاه کنید به هنکلن، ۲۰۰۸: ۹۵-۹۹؛ گریسون، ۲۰۰۸.

^۴ - برای مطالعه بیشتر درباره تجزیه و تحلیل ساختار کلی متن‌های بارو نگاه کنید به بریان، ۱۹۹۶؛ داندامایف و لوکونین، ۱۹۸۹: ۹۰-۲۳۷؛ هلوک، ۱۹۸۵: ۵۸۸-۶۰۹؛ کورت، ۲۰۰۷: ۷۶۳-۸۱۴.

^۵ - برای مطالعه متن‌های گروه‌های A-W نگاه کنید به هلوک، ۱۹۶۹: ۱۳-۸۰ و همچنین برای مطالعه تعداد مهرهای به کار برده شده بر روی لوح‌های هر گروه نگاه کنید به روت، ۲۰۰۸: ۱۰۹-۱۴۴.

^۶ - از مهم‌ترین گروه‌های متنی بر مبنای اطلاعات ذکر شده در آنها و ساختار متن‌ها، گروه‌های J, T, W, V و متن‌های مربوط به پرداخت‌های مذهبی در گروه‌های E و K₁ هستند. برای مطالعه درباره متن‌های گروه J مربوط به تدارکات برای شاه و درباریان نگاه کنید به بریان، ۲۰۰۶؛ بروسوس، ۱۹۹۶؛ جیوینز، ۱۹۹۴: a و b؛ هنکلن، ۲۰۱۰؛ کخ، ۱۹۹۳؛ توبلین، ۱۹۹۸. برای متن‌های مذهبی نگاه کنید به جیوینز، ۱۹۸۷؛ هندلی-شیر، ۱۹۹۸؛ هنکلن، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱؛ کخ، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰؛ رزمجو، ۲۰۰۴. نامه‌ها (متن‌های T) نگاه کنید به هلوک، ۱۹۶۹: ۵۱-۵۲ و برای مطالعه بیشتر درباره متن‌های V و W که اسناد حسابرسی‌اند نگاه کنید به بروسوس، ۲۰۰۳.

مربوط به پرداخت جیره‌های غذایی به مسافرانی است که از محدوده جغرافیایی بایگانی بارو عبور می‌کنند. اما با توجه به جایگاه خاص آنها در بایگانی بارو، تاکنون هیچ پژوهش تخصصی بر روی این متن‌ها صورت نگرفته است. در این مقاله ساختار کلی متن‌های سفر و ویژگی‌های آنها بررسی و ۶ شاخص مهم آنها تحلیل می‌شود که شامل: تهیه‌کنندگان کالا (کارمندان)، مهر تهیه‌کنندگان، دریافت‌کنندگان کالا (مسافران)، اشخاص صادرکننده سند مهر شده برای مسافران (Halmi)، مسیر سفر به تفکیک مبدا و مقصد و تاریخ می‌شوند. البته اطلاعات دیگر همانند نوع جیره، مهر مسافران، ملیت، جنسیت آنها نیز در مرحله تحلیل داده‌ها مد نظر قرار گرفته ولی آنها را می‌توان نسبت به ۶ شاخص بالا تابع درجه دو دانست. باید اشاره نمود که اگرچه برای مطالعه دقیق اطلاعات لوح‌ها، اطلاعات ارائه شده در متن‌ها تفکیک و جداگانه بررسی شده‌اند این اطلاعات به صورت مستقیم به هم پیوسته‌اند.

۲- ساختار متن‌های سفر

متن‌های سفر^۱ (متن‌های Q) مربوط به تهیه و پرداخت جیره‌های خوراکی، به طور معمول آرد، شراب، آجود و به ندرت کالای دیگر به مسافرانی است که از محدوده در کنترل بایگانی بارو عبور می‌کنند (هلوک^۲ ۱۹۶۹: ۴۰-۴۵). جیره‌ها به طور معمول به مقدار ۱ و ۱,۵ قه (QA^۳) برای یک روز سفر است، بنابر این مسافران فاصله بین دو ایستگاه را باید در یک روز می‌پیموند. تنها در حدود یک درصد از متن‌ها مسافران جیره‌هایی را برای بیش از یک روز سفر دریافت کرده‌اند.

به طور معمول یک متن کامل سفر، گزارشی و دارای اطلاعات مشخصی، مانند مقدار کل جیره غذایی، نام تهیه‌کننده کالا (کارمند اداره)، نام دریافت‌کننده، تعداد دریافت‌کنندگان و مقدار جیره‌ای که به هر شخص داده شده، جنسیت مسافران، مسیر سفر (مبدا و مقصد)، نام شخص صادرکننده سند مهر شده (Halmi) و تاریخ (سال و ماه و به ندرت روز) است که سپس با دو مهر کارمند تهیه‌کننده کالا در سمت چپ و مهر دریافت‌کننده در پشت یا جاهای نوشته نشده دیگر لوح مهر شده‌اند. البته در برخی از متن‌ها نیز اطلاعاتی همانند ملیت مسافران، شغل آنها، دلیل سفر، محل دریافت جیره نیز ذکر شده است. اما باید اشاره کرد که در میان ۷۱۹ متن سفر خوانده شده (PF, Pfa, Fort, PF-NN)^۴ تعداد متن‌های

^۱ - در مجموعه بارو ۳۰۵ متن سفر در مجموعه ۲۰۸۷ متن منتشر شده توسط هلوک (۱۹۶۹) در کتاب لوح‌های بارو (PF) تخت جمشید، ۱۱ متن سفر در ۳۳ لوح Pfa منتشر شده در 8 DAFI (هاوک، ۱۹۷۸) و ۴۰۳ متن Q از مجموعه لوح‌های PF-NN یا NN که هنوز منتشر نشده‌اند. در مجموع در ۷۱۹ متن سفر تاکنون خوانده شده است که همه آنها توسط نگارنده بررسی شده‌اند. لازم است از پروفیسور مارک گریسون و دکتر وتر هنکلمن که متن‌های NN و مهرهای منتشر نشده را در اختیار من گذاشتند، تشکر کنم.

^۲ - Hallock, R.

^۳ - ۱ قه (QA) واحدی برای مواد جامد و مایع و تقریباً معادل نزدیک به ۱ لیتر است (هلوک، ۱۹۶۹: ۷۲).

^۴ - هلوک در ابتدا برای شناخت لوح‌ها به آنها که PF داد (Persepolis Fortification) است و مجموعه ۲۰۸۷ لوح منتشر شده توسط وی در سال ۱۹۶۹ با این کد مشخص می‌شوند، سپس وی در سال ۱۹۷۸ مجموعه‌ای از ۳۳ متن دیگر را منتشر کرد که به آنها کد اختصاری Pfa داده بود. حدود ۲۵۰۰ متن دیگری که توسط هلوک خوانده ولی هنوز منتشر نشده با علامت اختصاری NN - PF یا اختصاری‌تر به صورت NN مشخص می‌شوند. حدود ۱۵۰ لوح دیگری که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود و توسط کامرون خوانده شده‌اند با علامت اختصاری Fort معرفی می‌شوند البته در بازبینی مجدد متن‌ها توسط دکتر هنکلمن این مجموعه نیز علاوه بر کد Fort با کد NN نیز مشخص می‌شوند.

های معدودی دارای اطلاعات کامل‌اند و در بیشتر لوح‌ها یک یا چند مورد از اطلاعات از قلم افتاده یا احتمال دارد برای اینکه ضروری نبوده، به عمد نوشته نشده است. نمونه یک متن کامل PF 1383 :

^{۱۷-۱} 1.25 BAR آرد، توسط میره یئوده تهیه شده، اشره دریافت کرد، او خودش ۲ قه دریافت کرد. ۱ مرد ۵، قه دریافت و ۹ پسر هر یک ۱ قه دریافت کردند. ^{۱۱-۹} او سند مهرشده از شاه همراه داشت. آنها از شوش به هند می رفتند. ^{۱۳-۱۲} سال بیست و سوم، ماه ۱۲.

(دو مهر: 18 PFS^۲ سمت چپ، PFS 1306 پشت لوح)

در واقع اطلاعات ارائه شده در متن‌های سفر از جنبه‌های متعدد اهمیت دارند. این متن‌ها مربوط به فعالیت اداری، کارمندان و اداره‌های فعال در محدوده جغرافیایی مشخص، دریافت جیره در محل خاص، مقدار جیره مشخص و با مهرهای مشخص کارمند یا اداره تهیه کننده کالا و مهر دریافت کننده، مهر شده‌اند. از آنجایی که در بسیاری از لوح‌های بارو نمی‌توان مطمئن شد که چه کسی و در چه محلی لوح را مهر کرده، آن مهر با مهرهای دیگری که همراه با آن به کار برده شده‌اند، چه ارتباط مشخصی دارد. مطالعه مهرها در متن‌های سفر با توجه به روند مشخص کاربرد آنها و ارتباط بین کارمندان اهمیتی دو چندان می‌یابند. در میان لوح‌های گروه‌های A-W، متن‌های سفر با توجه به اینکه همواره ۲ مهر با هویت تقریباً مشخص بر روی آنها زده شده، به ما کمک می‌کنند تا با ارتباط دادن مهرها با اشخاص و اداره‌ها، نوع فعالیت‌هایشان و محدوده جغرافیایی فعالیت آنها را مشخص کرده و در میان تنوع پراکنده این مدارک غیرمستقیم با تحلیل آنها به شناخت بهتری از روند فعالیت‌ها در دستگاه اداری بایگانی بارو برسیم.^۳

^۱ - بار (BAR) واحد وزن برای مواد جامد است. ۱ بار معادل ۱۰ قه است (هلوک، ۱۹۶۹: ۷۲).

^۲ - PFS مخفف Persepolis Fortification Seal به معنای مهرهای بارو تخت جمشید است که هر مهری که تاکنون بر روی لوح‌های بارو شناسایی شده دارای شماره مشخصی است.

^۳ - شناسایی، مطالعه و معرفی نقش مهرهای موجود در متن‌های PF در قالب بخشی از پروژه آرشو بارو تخت جمشید، در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو در حال انجام است. بخش مهرهای این مجموعه به سرپرستی پروفسور مارک گریسون و پروفسور مارگارت کول روت در حال مطالعه و آماده سازی برای چاپ است. مهرها در قالب یک مجموعه سه جلدی به چاپ می‌رسند که جلد اول آنها با موضوع «نقش نبردهای قهرمانی» شامل ۳۱۲ نقش تاکنون منتشر گردیده است. جلد دوم با موضوع «نقش انسانی» و جلد سوم با موضوع «نقش حیوانی، هندسی و نقوش تجریدی» نیز در حال آماده سازی برای انتشار است. هر یک از مهرها به لحاظ نقش، سبک، لوح‌های دارای آن مهر بررسی شده و همچنین کتاب‌شناسی کاملی از آن معرفی می‌شود. البته همزمان کار شناسایی نقش مهرها بر روی متن‌های NN نیز در حال انجام است که پس از مقایسه مهرهای این مجموعه لوح‌ها با مهرهای مجموعه پیشین، تعداد زیادی مهرهای جدید نیز بر اساس گزارش‌های اولیه شناسایی شده‌اند، البته هنوز بیشتر مهرهای جدید را شماره گذاری نکرده‌اند (مکالمه شخصی با گریسون). همچنین دکتر دوزینبره در حال بررسی و مطالعه مهرهای بر روی لوح‌های آرامی است که تاکنون گزارش کوتاهی را در مورد این مهرها منتشر کرده‌اند (دوسینبر، ۲۰۰۸). گریسون در مقاله‌ای نیز در سال ۲۰۰۸ به صورت مقدماتی لوح‌های نوشته نشده ولی مهر شده را مورد مطالعه قرار داد (گریسون، ۲۰۰۸). برای مطالعه درباره مهرهای بارو و نقش آنها در بایگانی نگاه کنید به (اپرگس، ۱۹۹۹؛ گریسون، ۱۹۸۸، ۱۹۹۶، a، ۱۹۹۶، b، ۲۰۰۰، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱؛ هلوک، ۱۹۶۹: ۷۸-۸۱؛ لوپس، ۱۹۹۴؛ روت، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸).

۲-۱- تهیه کنندگان (کارمندان)

به عنوان یک شغل، به تهیه‌کننده یا کورمین^۱ به صورت مکرر در گروه‌های مختلف متن‌های بارو اشاره می‌شود. البته علیرغم تکرار این عنوان، جایگاه شغلی آنها در دستگاه اداری، حوزه فعالیت‌ها و سلسله مراتب اداری آنها یکی از مباحث بحث برانگیز بایگانی بارو است. کلمه کورمین قبل از نام تهیه‌کننده به کار رفته و در متن‌ها به صورت «*kurmin PN^۲- na*» نوشته می‌شود. در PF 354 به صورت Kur-*aman* در PF 417 و PF 285 به صورت kur-mi و در PF 361 به صورت Kur-me نوشته شده است. هلوک کورمین را به معنای «بر عهده گذاشتن/ واگذار کردن»^۳ و «تهیه شده توسط»^۴ ترجمه می‌کند (هلوک، ۱۹۵۰: ۲۴۵).

هنکلمن^۵ (۲۰۰۸: ۱۲۷، ۲۸۴ fn.) پیشنهاد می‌دهد که با توجه به اینکه در بیشتر لوح‌ها این کلمه به صورت kur-*man* نوشته شده، در واقع این واژه شکلی از فعل *kurma-* است و بهتر است که به جای Kurmin به صورت kurman خوانده شود. البته پیش از هنکلمن، استیو^۶ (۱۹۹۲: ۱۶۳) نیز این پیشنهاد را مطرح کرده بود.^۷

همانگونه که در بالا اشاره شد، هلوک شغل کورمین را به دو صورت معرفی می‌کند «بر عهده گذاشتن و واگذار کردن». هلوک آن را برای انبار کردن کالاها در متن‌هایی همانند: گروه B و C به کار می‌برد و معمول‌ترین آن با عنوان «تهیه‌کننده» در متن‌های مربوط به تهیه جیره‌ها است. به نظر می‌رسد، می‌توان در قالبی کلی شغل کورمین را همانند یک مغازه‌دار توصیف کرد که از یک سو کالاها از بخش-های مختلف به او واگذار یا تحویل داده می‌شود (همانند کورمین‌ها در متن‌های گروه‌های B و C) و از سوی دیگر او کالاها را به خریداران خود عرضه می‌کند (همانند تهیه‌کنندگان در متن‌های سفر).

در برخی از متن‌ها نام‌های شغلی مشخصی برای کارمند تهیه‌کننده به کار می‌رود به عنوان مثال تومره^۸، کوتیره^۹ به عنوان تهیه‌کننده شراب. بنابر این در برخی از متن‌ها یک کورمین با عنوان شغلی مشخص ذکر می‌شود.

^۱ - kurmin (kur- min)

^۲ - حرف اختصاری PN مخفف Perspna Name نام شخصی است.

^۳ - entrusting of

^۴ - Supplied by

^۵ - Henkelman, W.F.M.

^۶ - Steve, M.J.

^۷ - نگاه کنید به کامرون، ۱۹۴۸: ۴۸-۴۹؛ هلوک، ۱۹۵۰: ۲۴۵ و ۱۹۶۹: ۱۰-۱۲؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۲۷ fn. ۲۰۴، ۴۴۳؛ هینز و کچ، ۱۹۸۷: ۵۲۵-۵۲۷؛ استو، ۱۹۹۲: ۱۶۳.

^۸ - *tumara* هلوک (۱۹۶۹: ۷۶۵) آن را به معنای grain handler می‌داند. البته یافتن معادل فارسی مناسب برای این کلمه که مسئولیت‌های شغلی آن را برساند مشکل است، چنانچه پس از کاربرد معادل‌هایی همانند رسیدگی‌کننده به امور غله، کنترل‌کننده غله، نگهدارنده غله و برخی پیشنهاد‌های دیگر هنوز نتوانستیم کلمه‌ای مناسب که به درستی مفهوم را بیان کند، بیابیم. بنابراین ترجیح داده شد که تا یافتن معادل مناسب که انتقال‌دهنده مفهوم باشد از همان معادل عیلامی استفاده گردد.

^۹ - *kutira* نگاه کنید به هلوک، ۱۹۶۹: ۷۱۹.

به نظر آپرگیس^۱ (۱۹۹۹) در واقع کورمین‌ها دارای عنوان‌های شغلی متفاوتی‌اند که تنها در برخی از متن‌ها به آنها اشاره شده و به صورت معمول در متن‌های مختلف همان عنوان کورمین را استفاده می‌کردند. چنانچه کورمین‌هایی که کالا تحویل می‌دهند، در برخی متن‌ها ذکر شده که کالاها یا جیره‌ها را به کارمندی با عنوان شغلی مشخصی تحویل داده‌اند که خود آنها در متن‌های دیگری به عنوان کورمین ذکر می‌شوند. بنابر این، این امر نشان می‌دهد که خود تهیه‌کنندگان یا به اصطلاح کورمین‌ها سلسله مراتب مشخصی دارند.

تحلیل‌های نگارنده بر روی ۷۱۹ متن سفر و مقایسه با آنها در متن‌های گروه‌های دیگر نشان می‌دهد که کورمین‌ها سلسله مراتب اداری مشخصی دارند، برخی از آنها تنها نقش تهیه‌کننده دارند، برخی هم تحویل گیرنده و هم تهیه‌کننده و برخی علاوه بر تحویل و تهیه کالا در زمینه‌های دیگری نیز فعالیت‌هایی دارند. درباره تهیه‌کنندگان سوالات متعددی به ذهن خطور می‌کند. تهیه‌کنندگان کالا چه کسانی هستند؟ آیا آنها در محدوده جغرافیایی و یا محل مشخصی فعالیت می‌کنند؟ این اشخاص چه جایگاه شغلی در سلسله مراتب اداری بایگانی دارند؟ همکاران آنها چه کسانی هستند؟ آیا آنها تنها در متن‌های سفر به عنوان تهیه‌کننده فعالیت داشته‌اند یا در متن‌های گروه‌های دیگر نیز همین نقش را ایفا کرده‌اند؟ آیا آنها مسئول تهیه و پرداخت نوع کالای خاصی بوده‌اند یا در یک ایستگاه مشخص کالاهای مختلف را تهیه می‌کردند؟ البته هنوز یافتن پاسخ‌های مشخص برای این سوال‌ها بسیار مشکل است.

از ۷۱۹ متن سفر مطالعه شده، نام ۸۶ تهیه‌کننده مشخص شده که ۳۱ نفر آنها در بیش از دو متن کالا تهیه کرده‌اند و نام ۵۵ نفر فقط در یک متن به عنوان تهیه‌کننده آمده است. در ۳۳۰ متن نیز نام تهیه‌کننده، نیامده است. در واقع حدود ۴۵ درصد از متن‌های سفر نام کارمند تهیه‌کننده کالا را ندارند. از نکته‌های حائز اهمیت در متن‌های سفر این است که نام تهیه‌کننده به طور مستقیم با مهر در ارتباط است و این امر خود می‌تواند ما را در شناخت بهتر تعامل کارمندان تهیه‌کننده و مهرهای مورد استفاده آنها یاری رساند.

از سوی دیگر با توجه به اینکه در حدود ۳۳۰ لوح سفر دارای نام تهیه‌کننده نیستند و تنها مهر بر روی آنها زده شده، پس این سوال مطرح می‌شود که چرا نام تهیه‌کننده ندارند و تنها به کاربرد مهر اکتفا شده است؟ آیا یک مهر می‌تواند به عنوان معرف یک اداره یا ایستگاه سفر نیز باشد و نقش تهیه‌کننده داشته باشد؟^۲ یا اینکه کاربرد نام تهیه‌کننده و مهر لازم و ملزوم یکدیگر نبوده و تنها کاربرد یکی از آنها کافی و شرط اصلی بوده است؟ سوالات متعدد دیگری نیز می‌توان راجع به ماهیت، نقش و جایگاه تهیه‌کنندگان در متن‌های Q و گروه‌های دیگر متن‌ها مطرح کرد. اما نکته حائز اهمیت در متن‌های سفر این

^۱ - Aperghis, G.G.

^۲ - این نکته که مهرها ممکن است به عنوان نماینده اداره یا ایستگاه مشخص بدون ذکر نام تهیه‌کننده و کارمند فعال در آنجا را بازی کنند را آپرگیس مطرح کرده و تاکید دارد که مهرهای به کار برده شده در متن‌های سفر متعلق به کارمند تهیه‌کننده نیستند بلکه معرف اداره مشخص تهیه‌کننده کالا در محل جغرافیایی یا همان ایستگاه مشخص می‌باشند (آپرگیس، ۱۹۹۶: ۷) (نگاه کنید به ۳-۲)

است که نام تهیه‌کننده به طور مستقیم با مهر در ارتباط است و این امر خود می‌تواند ما را در شناخت بهتر تعامل کارمندان تهیه‌کننده و مهرهای مورد استفاده آنها یاری رساند. در برخی از مواقع نمی‌توانیم تهیه‌کننده خاصی را شناسایی کنیم و تنها مهر استفاده شده که معرف آن اداره است. بنا به تحلیل‌های انجام شده در پژوهش حاضر، به نظر نگارنده، هنگام مطالعه متن‌های سفر برای شناخت کارمندان تهیه‌کننده باید به چند نکته توجه داشت:

- اگر چه در حدود ۴۰ درصد از متن‌ها نام تهیه‌کننده ندارند، ولی در برخی از متن‌ها با استفاده از مهرها، مکان‌های جغرافیایی می‌توان کارمند مورد نظر را شناسایی نمود. به عنوان مثال: مهر 21 PFS در همه متن‌ها توسط کرمه استفاده شده است، در 2073 NN، این مهر در سمت چپ استفاده شده ولی نام تهیه‌کننده نیامده است ولی با توجه به دیگر متن‌ها می‌توان حدس زد که تهیه‌کننده کرمه^۱ بوده است.

- مطالعه نام‌ها نشان می‌دهد که احتمالاً ما در برخی از موارد با بیش از یک شخص با نام خاص مواجه هستیم، چنانچه این مورد را می‌توان درباره آمبدوش^۲ مشاهده کرد.

- برخی از تهیه‌کنندگان در ارتباط با بیش از یک کالای خاص، مهر و مکان جغرافیایی شناسایی می‌شوند، در این موارد باید در تحلیل بسیار دقیق بود.

- همه پژوهشگران در این باره هم نظراند که اداره‌ها در بارو به چهار گروه مشخص تقسیم می‌شوند. اداره مسئول غله/ آرد، اداره آبجو/ *tarmu*، اداره شراب/ میوه و اداره مسئول حیوانات (اِپرگیس، ۱۹۹۹؛ داندامايف^۳، ۱۹۸۹: ۹۰-۳۳۷؛ هلوک، ۱۹۸۵ و ۱۹۷۳؛ هنکلمن، ۲۰۱۰؛ هینز^۴، ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱؛ کخ^۵، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲؛ لويس^۶، ۱۹۷۷: ۴-۱۴؛ کورت^۷، ۲۰۰۷: ۷۶۳-۸۱۴ روت^۸، ۱۹۹۶؛ ویزهوفر^۹، ۱۹۹۶: ۱۰۲-۱۴۸). محدوده کاری هر یک از این اداره‌ها مشخص و کارمندان آنها از یکدیگر تفکیک شده بود اما حضور کارمندانی همانند میشه بده^{۱۰} که در متن‌های مختلف مسئول تهیه کالاهای مختلف بودند کلیه معادله‌های ذهنی را بر هم می‌زند.

- برخی از تهیه‌کنندگان همانطور که در بالا اشاره مختصری شد علاوه بر عنوان شغلی کورمین با عنوان‌های شغلی دیگری نیز نام برده می‌شوند. از رایج‌ترین عنوان‌های شغلی اولیره^{۱۱} به معنای

¹ - Karama

² - Ambaduš

³ - Dandamaev. M.A.

⁴ - Hinz, W.

⁵ - Koch, H.

⁶ - Lewiz, D.M.

⁷ - Kuhrt, E.

⁸ - Root, M.C.

⁹ - Wiesehofer

¹⁰ - Miššabada

¹¹ - ullira

تحويل‌دهنده، است، عنوان‌های شغلی دیگر، آنسره^۱ که کار آن مشخص نیست، شَرْمَنَه به معنای تقسیم‌کننده و دیمَنَه به معنای واگذار شده توسط (انتقال داده شده توسط). آنچه شواهد نشان می‌دهند تایید-کننده نظر هلوک (۱۹۸۵) و آپرگیس (۱۹۹۶ و ۱۹۹۹) است که تهیه‌کنندگان دارای سلسله مراتب شغلی بوده‌اند و متناسب با جایگاه اداری خود می‌توانستند مسئولیت‌های دیگری را نیز بر عهده داشته باشند. نکته‌هایی که در بالا اشاره شد، مشخص می‌سازد که همه تهیه‌کنندگان دارای شرایط شغلی مشابهی بودند، چنانچه به نظر می‌رسد که تهیه‌کنندگان در متن‌های سفر نیز خود دارای سلسله مراتب بودند.

۲-۲- مهرهای تهیه‌کنندگان (کارمندان)

با وجود تعداد بسیار زیاد مهرهای موجود (بیش از ۱۱۵۰ مهر تنها بر روی متن‌های PF) در لوح‌های بارو محدودیت‌های بسیاری از جنبه‌های مختلف برای شناخت و شیوه مهر کردن لوح‌ها، عوامل تاثیرگذار در چگونگی مهر کردن لوح‌ها وجود دارد. معمولاً در بسیاری از متن‌ها نمی‌توان، مطمئن شد که چه شخصی لوح را مهر کرده است؟ یا مهرهای زده شده در سطوح مختلف لوح متعلق به کدامیک از اشخاص ذکر شده در متن است؟ مهر هر شخص یا کارمند مشخص با چه مهرهای دیگری مرتبط است؟ آیا مهر اداری است یا شخصی؟ در کدام محل یا منطقه جغرافیایی استفاده می‌شده است؟ بنابر این برای پاسخ-گویی به چنین سوال‌هایی باید داده‌های متنی را با مهرها تلفیق و مقایسه کرد و با کنار هم گذاشتن اطلاعات غیرمستقیم سعی کنیم تا نقش مهرهای خاص را در ساختار فعالیت‌های اداری و در ارتباط با اشخاص و مهرهای مشخص دیگر بازسازی کنیم.

یک مهر به طور معمول مرتبط با شخص یا اشخاص یا اداره خاص در مکان یا محدوده جغرافیایی مشخص و در ارتباط با مهرهای مشخص دیگری است.^۲ تحلیل این اطلاعات پراکنده به ما کمک می-کند تا چگونگی ارتباط کارمندان و اداره‌ها در بخش‌های مختلف جغرافیایی با یکدیگر را مشخص و در واقع بتوانیم چرخه فعالیت‌های انجام شده در بایگانی و سلسله مراتب آن را بازسازی کنیم. هر چند که این دیدگاه بسیار خوشبینانه است و ما در بیشتر موارد با کنار هم گذاشتن همه داده‌های موجود مستقیم و غیرمستقیم، باز هم موفق نمی‌شویم به این جزئیات دست یابیم. البته با خوانده شدن متن‌های بیشتر و شناخت مهرها بر روی لوح‌ها دیگر امیدواریم در آینده این امر میسر گردد.

در گروه‌های متنی مختلف شیوه‌های مهر کردن و تعداد مهرهای زده شده بر روی لوح متفاوت است به عنوان مثال در برخی از گروه‌ها همواره یک مهر (مانند متن‌های T)، در برخی گروه‌ها همواره دو مهر (مانند متن‌های Q) و در برخی گروه‌ها نیز دو یا بیش از دو مهر (متن‌های گروه C) به کار برده شده است.

^۱ - ansara

^۲ - برای مطالعه جنبه‌های متعدد مهرها و تعداد و شیوه‌های مهر کردن لوح‌ها در بایگانی نگاه کنید به آپرگیس، ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹؛ گریسون، ۱۹۸۸: ۱۶۷-۱۷۰ و ۲۰۰۰؛ گریسون و روت، ۱۹۹۸: ۸-۱۱ و ۲۰۰۱: ۱۱-۱۳؛ هلوک، ۱۹۷۷؛ هینز، ۱۹۷۱؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۲۹-۱۳۰؛ لوپس، ۱۹۹۴: ۲۹-۳۱؛ روت، ۱۹۹۶: ۳۰۸؛ والا، ۱۹۹۷.

اگرچه تاکنون مطالعه جامعی راجع به چرایی تعداد مهرها بر روی لوح‌ها صورت نگرفته، اما بررسی‌های کلی نشان می‌دهد که به استثنای متن‌های خاص یا مهرهای اشخاص خاص که همواره به تنهایی به کار برده می‌شدند، کاربرد دو مهر معمول‌ترین حالت است که ارتباط دو سویه بین تهیه و دریافت را تایید می‌نماید.

شاخصه برجسته متن‌های سفر این است، که به طور معمول لوح با دو مهر^۱، مهر شده و اشخاص صاحب مهر مشخص‌اند. پس می‌توان با تحلیل مهرهای به کار برده شده در این متن‌ها به شناخت بهتری از شیوه‌ها و قوانین مربوط به مهر کردن لوح‌ها در بایگانی بارو رسید. در متن‌های سفر ۲۶۰ مهر خوانا^۲ شناسایی شده که ۷۲ مهر مربوط به تهیه‌کنندگان کالا در سمت چپ لوح و ۱۸۸ مهر متعلق به مسافران در پشت و نقاط دیگر نانوشته لوح است (جدول ۱).

از ۷۱۹ لوح مورد مطالعه ۱۴۵ لوح فاقد هر نوع نقش مهری است که همه این لوح‌ها شکل خاصی دارند.^۳ روت معتقد است که با توجه به اینکه همه لوح‌هایی به فرم معمول لوح‌های بارو مهر شده‌اند و تمامی لوح‌هایی که دارای یک سوراخ و با شکل خاص‌اند مهر نشده‌اند، در واقع لوح‌های مهر نشده، کپی از لوح‌های اصلی بودند که مربوط به اداره محل تهیه آنها بود (روت، ۲۰۰۸) اما اینکه چگونه به بایگانی در تخت جمشید منتقل شده‌اند، نامشخص است.

تعداد لوح‌ها	لوح‌های دارای مهر	لوح‌های بدون مهر	مهرهای تهیه‌کننده‌ها	مهرهای دریافت‌کننده‌ها	لوح‌های بدون مهر تهیه‌کنندگان
۷۱۹	۵۷۴	۱۴۵	۷۷	۱۸۸	۱۱

جدول ۱- تعداد مهرهای موجود بر روی لوح‌های سفر

^۱ - تنها در PF 1480 سه مهر به زده شده است.

^۲ - حدود ۱۰۰ مهر ناخوانا به این صورت که اثر مهر بر روی لوح وجود دارد ولی بر اثر ساییدگی قابل شناسایی نیست- نیز بر روی متن‌های سفر وجود دارد که اکثراً مهرهایی هستند که تنها یک بار بر روی متن‌ها به کار برده شده‌اند و امکان شناخت و بازسازی آنها وجود ندارد. در این میان حدود ۳۰ مهر ناخوانا متعلق به تهیه‌کنندگان و باقی مهرهای مربوط به دریافت‌کنندگان کالا است.

^۳ - لوح‌های معمول مورد استفاده در بایگانی بارو لوح‌های بالشتی شکل یا زبانی شکل‌اند که این لوح‌ها را به اصطلاح memorandum type می‌گویند که این اصطلاح برای اولین بار توسط کامرون (۱۹۴۸: ۲) مطرح گردید. کمی مشکل است که بخواهیم معادل فارسی مناسب برای اصطلاح memorandum tablet بیابیم، شاید بتوان آن را به «لوح یادداشت» یا «لوح رسید» ترجمه کرد. لوح‌های بالشتی شکل کوچک‌اند و در کف دست جا می‌شوند. معمولاً طول بزرگ‌ترین آنها از ۸ سانتی متر تجاوز نمی‌کند. کوچک‌ترین این لوح‌ها به ابعاد دو سانتی متر (PF 1887) است. لوح‌های بالشتی شکل^۴ در اطراف اختا دارند، سمت چپ آنها صاف و در دو طرف لبه بالا و پایین سمت چپ سوراخی دارند که محل عبور نخ بوده است. نمونه این لوح‌ها نمونه لوح‌های بالشتی شکل در بایگانی‌های آشوری و بابلی نیز رواج داشته است. گروه دیگر لوح‌های چهارگوش است که تنها متعلق به متن‌های V, W است. اما گروهی از لوح‌ها نیز دارای فرم‌های خاصی‌اند که کارکرد آنها مورد بحث و سوال بسیار است. یکی از این نمونه‌ها لوح‌های تخم مرغی یا مخروطی شکل است که در متن‌های سفر نیز این نمونه لوح وجود دارد. برخلاف لوح‌های بالشتی شکل یک سوراخ دارند و متن دور تا دور آن نوشته شده و هیچ نوع اثر مهری ندارند. برای مطالعه بیشتر درباره شکل لوح‌ها نگاه کنید به اپرگیس، ۱۹۹۹؛ هلوک، ۱۹۶۹؛ ۷۷، هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۰۲-۱۰۹؛ روت، ۲۰۰۸.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نکته حائز اهمیت در مورد لوح‌های بدون مهر، این است که به طور معمول اطلاعات به صورت کامل بر روی آنها نوشته می‌شد و تنها نقص آنها عدم کاربرد مهر بود. با توجه به اینکه در محدود لوح‌های دارای مهر اطلاعات به طور کامل نوشته شده و معمولاً یک یا چند مورد از قلم افتاده است. بنابر این نظر روت (۲۰۰۸) محتمل است که لوح‌ها مربوط به بایگانی‌های محلی بودند، در نتیجه کارمندان ضرورتی برای مهر کردن آنها نمی‌دیدند زیرا آنها در همان محل نگهداری می‌شدند. البته اگر این فرض را بپذیریم این سوال پیش می‌آید که پس چگونه و بنا به چه دلیلی این نمونه‌ها به مرکز بایگانی در تخت جمشید فرستاده شدند؟ که متأسفانه با مدارک موجود نمی‌توان برای این سوال پاسخی ارائه کرد.

از ۵۷۴ لوح با اثر مهر تنها ۱۱ لوح مهر دریافت‌کننده کالا ندارد (جدول ۴). نکته قابل اهمیت و موشکافی این است که چرا مسافرانی که به همراه خود سند مهر شده از سوی مقام‌های بالا به همراه داشتند، باز نیاز بود که لوح را مهر کنند؟ چنانچه در متن‌های L که مربوط به پرداخت جیره‌های غذایی برای سفرهای شاه و خانواده سلطنتی و درباریان است، تنها تهیه‌کننده کالا سند را مهر می‌کرد و دریافت‌کنندگان مهر خود را به کار نمی‌بردند. اگرچه در متن‌های سفر، شواهد نشان می‌دهد که ظاهراً ذکر نام شخص دریافت‌کننده و ارائه سند مهر شده از سوی او به تنهایی کافی نبود و باید حتماً سند مهر می‌شد. چنانچه در برخی لوح‌ها که احتمالاً مسافرانی که از نقاط خارج از محدوده بایگانی می‌آمدند، مهر نداشتند، این راهنمایان سفراند که به جای مسافر سند را مهر می‌کردند. به عنوان مثال در PF 1317، PF 1318 این ایشبار میشتیمه^۱ راهنمای سفر است که به جای ایشتمه^۲ هندی لوح را برای دریافت جیره آرد، مهر می‌کند و در لوح به این مسئله اشاره می‌شود. این امر نشان می‌دهد که مهر کردن لوح از سوی مسافران ضروری بوده است. چنانچه اگر مسافرانی که از خارج از محدوده بایگانی مانند هند، سارد، قندهار به این منطقه سفر می‌کردند، مهر نداشتند، راهنمایان آنها می‌توانستند از مهرشان برای دریافت جیره برای آنها استفاده کنند.

مهرها علاوه بر نوع کاربردشان با دو عامل محل جغرافیایی و نوع کالای مشخص نیز در ارتباط بودند. چنانچه می‌توان گفت مهر تهیه‌کننده مشخص برای نوع کالای خاص و در مکان مشخصی به کار برده می‌شد و در واقع هر ایستگاه مهر مخصوصی برای تهیه کالای خاص داشته است. اما در متن‌های سفر تنها به ذکر مبدا و مقصد سفر اکتفا شده و به ایستگاه محل دریافت جیره تنها در چند متن اشاره شده است. به نظر نگارنده احتمال دارد که کاربرد مهر مشخص همراه با نام کارمند مشخص به اندازه کافی گویای محل دریافت کالا بوده است که اداره مرکزی در تخت جمشید بر مبنای آن محل دریافت جیره توسط مسافران را تشخیص می‌داد. برعکس در متن‌های گروه H (متن‌های مربوط به جیره‌های

^۱ - Išbaramištima

^۲ - Abbatema

ماهیارانه کارمندان) به صورت معمول مهر تهیه‌کننده کالا به کار برده نشده ولی همواره محل تهیه ذکر می‌گردد.

بررسی آماری مهرهای به کار برده شده در متن‌های سفر و مقایسه آن با کمیت نام تهیه‌کنندگان، نشان می‌دهد که نام تهیه‌کننده و مهر وی که در سمت چپ لوح به کار برده می‌شد به نوعی متمم یکدیگر بودند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حدود ۴۵ درصد لوح‌ها نام تهیه‌کننده ندارند، در حالی که تنها ۲۰ درصد از لوح‌ها مهر ندارند که آنها نیز همانگونه که اشاره شد لوح‌های با شکل خاص‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد، کاربرد مهر بر روی لوح‌ها ضرورت داشت در حالی که کاربرد نام تهیه‌کننده ضرورتی نداشت. البته می‌توان این فرض را نیز مطرح کرد که به دلیل اینکه نام تهیه‌کننده و مهر متمم یکدیگرند پس حضور هر دو در متن الزامی نبوده است و با توجه به اندازه لوح و اینکه نوشتن نام تهیه‌کننده فضایی را در سطح آن اشغال می‌کرد، بنابر این هر جا که به نظر کاتب فضا برای نوشتن کافی نبود، نام تهیه‌کننده از قلم می‌افتاد، زیرا مهر مکان مشخصی داشت و خود به تنهایی می‌توانست معرف اداره یا ایستگاه مورد نظر باشد. البته برای اثبات یا رد این فرض لازم است که تک تک لوح‌هایی که نام تهیه‌کننده نیامده و تنها مهر دارند از نظر ابعاد و شیوه نوشتن روی لوح مورد مطالعه قرار گیرند.

از دید دیگری نیز می‌توان به این مسئله نگاه کرد، با توجه به اینکه اکثر مهرهای به کار برده شده در متن‌های سفر متعلق به اداره‌ها است و می‌توانند توسط بیش از یک کارمند مورد استفاده قرار گیرند، بنابر این ذکر نام کارمندان بدون کاربرد مهر ممکن بود برای اداره مرکزی در تخت جمشید به دلیل تشابه‌های اسمی گمراه‌کننده باشد در حالی که کاربرد مهر که خود معرف آن اداره مشخصی بود، می‌توانست به تنهایی کافی باشد.

۲-۳- دریافت‌کنندگان کالا

دریافت‌کنندگان کالا در متن‌های سفر چه کسانی هستند؟ این اشخاص از کجا و به چه هدفی به محدوده زیر نظر بایگانی سفر می‌کنند که قابلیت دریافت جیره توسط اداره مرکزی را دارند؟ این مسافران چه میزان و چه نوع کالاهایی را برای جیره دریافت می‌کنند؟ و سوال‌های متعدد دیگری که می‌توان مطرح نمود. مطالعه متن‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مسافران تنها یک بار از محدوده زیر کنترل بایگانی عبور کرده‌اند. به صورت معمول مسافرانی که نامشان چند بار آمده، راهنمایان سفر، مسئول‌های گروه‌های کار و کارمندان اداری‌اند. بنابر این دریافت‌کننده‌های کالا یا مسافران را می‌توان به چند گروه مختلف تقسیم کرد که هر یک بنا به دلایل خاص فاصله تخت جمشید به شوش و نواحی اطراف آنها را در محدوده کنترل دستگاه اداری مرکزی بایگانی بارو طی می‌کنند. شامل مسافران از نقاط مختلف مانند هند (PF 1552)، قندهار (PF 1358)، سارد (PF 1404) و نقاط دیگر، راهنمایان سفر، گروه‌های مختلف کاری در شغل‌ها و ملیت‌های مختلف همانند درودگرها (PF 1487)، آسیابان‌ها (PF 1549)،

کاتبان (PF 1561) و دیگر شغل‌ها، پیک‌های تندور^۱ (چاپارها) مانند PF 1321, PF 1559 و کارمندان اداری، حسابدارها و جمع‌آوری‌کنندگان مالیات که برای انجام ماموریت‌های اداری به بخش‌های مختلف سفر می‌کنند و در مسیر خود جیره‌های غذایی را برای مصرف روزانه دریافت می‌کنند. به طور معمول مسافران بر حسب جایگاه اجتماعی خود جیره‌هایی معادل ۱، ۵، ۱، ۲ قه برای یک روز دریافت می‌کردند. جیره معمول آرد، شراب و آبجو بود. البته در مواردی نیز همانند PF 2057 مسافران با جایگاه اجتماعی بالا جیره گوشت دریافت می‌کرد. در متن‌هایی که مسافران به همراه راهنمای سفر، مسیر را طی می‌کنند، در ایستگاه‌ها راهنماها با کاربرد مهر خود جیره را برای مسافران دریافت می‌کنند، اما در مقدار جیره پرداخت شده جیره‌ای برای آنها در نظر گرفته نمی‌شد همانند PFS 1316. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه راهنماها خود به نوعی کارمند دستگاه اداری محسوب می‌شدند جیره جداگانه‌ای داشتند زیرا در سند مهر شده‌ای که مسافران به همراه داشتند احتمالاً تعداد مسافران ذکر می‌شد و کارمندان همان مقدار جیره را تحویل می‌دادند. در مواردی که راهنمای سفر به همراه مسافران جیره دریافت می‌کرد در متن‌ها اشاره شده که آن شخص به همراه همراهانش این مقدار جیره را دریافت کرده است.

در حدود ۱۸۸ مهر خوانا مربوط به مسافران بر روی متن‌های PF شناسایی شده است و شمار زیادی نیز مهرهایی که بنا به ساینده‌ی یا شکستگی ناخوانا هستند، وجود دارد. با توجه به اینکه بیشتر مسافران تنها یک بار از مسیر زیر کنترل اداره بارو عبور می‌کنند، بیش از ۸۰ درصد مهرهای مسافران تنها یک بار استفاده شده است. البته از آنجایی که گروه‌هایی از مسافران از بخش‌های مختلف شاهنشاهی می‌آیند، بنابر این می‌توان تنوع سبک و نقش را در مهرهای مسافران مشاهده کرد که این خود موجب شناخت بهتر از سبک‌های متعدد مورد استفاده نقاط مختلف می‌شود. اگرچه گریسون و روت در مجموعه سه جلدی مهرهای بارو که جلد اول آن تاکنون منتشر شده، به معرفی مهرها پرداختند. اما متأسفانه تاکنون هیچ کار تخصصی بر روی مهرهای مسافران در متن‌های سفر انجام نشده است.

۲-۴- مسیر سفر (مبدأ، مقصد و ایستگاه‌های دریافت جیره)

لوح‌های بارو شناخت ما را از جغرافیای اداری، ارتباط میان اداره‌ها و کارمندان در حوزه‌های جغرافیایی مشخص، مدیریت و دستگاه کنترل فعالیت‌های اداری ناحیه‌ای و نظارت اداره مرکزی در تخت جمشید بر بخش‌های منطقه‌ای بالا می‌برند. هنگامی که در سال ۱۹۶۹ هلوک^۲ ۲۰۸۷ متن از لوح‌های باروی تخت جمشید^۲ را منتشر کرد، در کنار جنبه‌های متعدد متن‌ها، بحث و گمانه‌زنی‌هایی درباره حوزه جغرافیایی زیر نظر بایگانی بارو و بیش از چند صد نام‌جای ذکر شده در متن‌ها آغاز گردید. پژوهشگران امیدوار شدند که بر اساس متن‌های بارو بتوان جغرافیای تاریخی منطقه فارس و مسیر ارتباطی آن تا شوش و نام‌جای -

^۱ - Pirradaziš

^۲ - نگاه کنید به هلوک، ۱۹۶۹، Persepolis Fortification Tablets

های ذکر شده در متن‌ها را شناخت. البته هنگامی که مباحث مربوط به نام‌جای‌ها و نسبت دادن آنها به مکان جغرافیایی یا سایت تاریخی مشخصی مطرح می‌شود، شک و تردید بالایی وجود دارد. در واقع هنگامی که بحث درباره شناسایی بیش از ۷۰۰ نام‌جای ذکر شده در متن‌ها مطرح می‌گردد، با حجم زیادی از اطلاعات پراکنده مواجه می‌شویم که در بسیاری از موارد همین پراکندگی، پژوهشگران را در تحلیل‌هایشان گاه به بیراهه برده است.

در حال حاضر نیز با توجه به چندین پژوهشی که درباره شناخت جغرافیای تاریخی منطقه صورت گرفته، تنها ما به صورت قطعی می‌توانیم از مکان ۶ نام‌جای ذکر شده در متن‌ها مطمئن باشیم و مکان‌های متعدد دیگر نیز بر پایه برخی تحلیل‌های زبان‌شناسی به مکان‌های جغرافیایی خاصی نسبت داده شده‌اند که البته نیازمند مطالعات دقیق‌تر است. این ۶ نام‌جای عبارتند از:

- انشان یا انزان (تل ملیان در نزدیکی تخت جمشید ($Anšan$: $^{As}an-za-an$) (عبدی، ۲۰۰۱؛ بوشارلا، ۲۰۰۵؛ کارتر، ۱۹۹۴؛ هلوک، ۱۹۶۹؛ ۶۶۷-۶۶۸؛ هنکلمن، ۲۰۰۳؛ سامنر، ۱۹۸۶: ۲۳-۲۵).

- پارسه، تخت جمشید ($Barša(n)$: $^{As}Ba-ir-ša$, $^{As}Ba-ir-šá-an$, $^{As}Ba-iš-šá$, $^{As}Ba-iš-šá-an$

- پاسارگاد ($Batrakataš$: $^{As}bat-ra-ka_4-taš$, $^{As}bat-rak_0-ka-taš$, etc.) (هلوک، ۱۹۶۹: ۶۷۵).

- شیراز ($Tirazziš$: $^{As}Ti-ra-iz-zi-iš$, $^{As}Ti-ra-zi-iš$) (همان: ۶۷۶).

- شوش ($Susa$: $^{As}šu-šu-an$)

- هونر: تل برمی در رامهرمز ($Hunar$: $^{As}Hu-un-nar$) (هنکلمن، ۲۰۰۸: ۴۱-۴۲ و ۱۱۰-۱۱۲؛ مفیدی نصرآبادی، ۲۰۰۵).

هلوک بایگانی بارو را بر مبنای مهرهای منطقه‌ای به سه حوزه جغرافیایی تقسیم نمود:

1- PFS حوزه تخت جمشید و نواحی اطراف آن^۱،

2- PFS 3, PFS 30 حوزه گئوپیریش^۲،

3- PFS 4 حوزه فهلپان^۳. هلوک حوزه جغرافیایی بایگانی را تقریباً تا محدوده بهبهان می‌داند (هلوک: ۱۹۷۷).

هنکلمن (۲۰۰۸ و ۲۰۱۰: ۵) تقسیم بندی جغرافیایی هلوک را که بر مبنای مهرهای منطقه‌ای، حوزه زیر کنترل بایگانی را به سه منطقه تقسیم کرده، به واقعیت نزدیک‌تر می‌داند. در بررسی جغرافیایی بایگانی

^۱ - برای مطالعه درباره مهر 1 PFS نگاه کنید به اپرگیس، ۱۹۹۹؛ ارفعی، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸: ۷ و ۱۹-۲۳؛ گریسون، ۲۰۰۰؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱: ۲۷۲-۲۷۴؛ هلوک، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۳۱-۱۳۵؛ هینز، ۱۹۷۱: ۲۸۳-۴؛ سامنر ۱۹۸۶.

^۲ - برای مطالعه درباره مهرهای 3 PFS, PFS 30 و بحث‌های مربوط به حوزه جغرافیایی آنها نگاه کنید به ارفعی، ۱۹۹۹؛ و ۲۰۰۸: ۷۸-۸۰؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱: ۴۰۹-۴۱۰؛ هلوک، ۱۹۷۷؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۱۰-۱۱۸ و ۵۰۷-۵۰۹؛ کخ، ۱۹۹۰: ۲۵۰؛ سامنر، ۱۹۸۶.

^۳ - برای مطالعه درباره مهر 4 PFS و حوزه جغرافیایی فهلپان نگاه کنید به اپرگیس، ۱۹۹۹؛ ارفعی، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸: ۹۴-۹۸؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱: ۴۱۱-۴۱۳؛ هلوک، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۱۹؛ هینز، ۱۹۷۱؛ کخ، ۱۹۹۰؛ سامنر، ۱۹۸۶.

بارو آن را محدوده‌ای مشخص از حدود رامهرمز تا نیریز می‌داند. البته با مشخص شدن تل برمی در رامهرمز به عنوان سایت مهم عیلامی هونور^۱ و هونر هخامنشی^۲ که از مکان‌هایی است که در متن‌های بارو به آن اشاره شده اکنون حد انتهایی حوزه جغرافیایی بارو را تا رامهرمز می‌دانند. هنکلمن شوش را خارج از محدوده کنترل دستگاه اداری بارو در نظر گرفته است. زیرا شواهد نشان می‌دهد که شوش خود دارای بایگانی اداری جداگانه‌ای بوده است (همان: ۵).

هنکلمن اشاره دارد که شوش اگرچه به صورت مکرر به عنوان مبدا و مقصد مسافران در متن‌ها ذکر می‌شود، ولی تنها در ۱۵ متن تحویل کالا در شوش ثبت شده است. NN 2523 نام‌های از ملکه ایرتشتونه^۳ است که به نظر می‌رسد از شوش فرستاده شده بود و دو متن NN 1040 و NN 1775 نیز نامه‌هایی از پرنکه^۴ که در آنها اشاره شده که کالاهای دستور داده، در شوش تحویل داده شوند. هنکلمن بیان می‌کند که در واقع این متن‌ها نشان‌دهنده ارتباط‌های بین سازمان اداری شوش و تخت جمشید است، ولی آنچه متن‌ها و مهرها نشان می‌دهند، شوش در خارج از محدوده اداری بایگانی بارو قرار می‌گیرد.^۵

کخ (۱۹۹۰) تلاش کرد با تحلیل و مقایسه نام‌جای‌های موجود در متن‌ها مسیر سفر از تخت جمشید به شوش را بازسازی کند و ایستگاه‌های در طول مسیر را مشخص سازد. بنابر طبقه‌بندی مهرها و مکان‌ها، کخ حوزه جغرافیایی بارو را تا حدود شوشتر می‌داند. کخ سپس با استفاده از نام‌جای‌ها، مهرها و نام

^۱ - Hunur

^۲ - Hunar

^۳ - PF 57, PF 88, PF 89, PF 90, PF 91, PF 93, PF 136, PF 318, NN 51, NN 322, NN 325, NN 1240, NN 1718, NN 1762, NN 1988.

^۴ - ایرتشتونه دختر کوچک کورش بزرگ و همسر داریوش است که در متن‌های بارو نشان می‌دهند که او دارای املاک زیادی بوده و اهمیت نقش او زمانی مشخص می‌گردد که او در متن‌های J دستورهایی را از طرف شاه برای تدارکات سلطنتی می‌دهد. برای مطالعه بیشتر درباره ایرتشتونه و مهر او PFS 38 نگاه کنید به اپرگیس، ۱۹۹۹؛ بروسیوس، ۱۹۹۶: ۲۷-۲۹ و ۱۲۵-۱۲۷؛ گریسون، ۱۹۸۸: ۲۰۳-۲۰۷ و ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ b؛ ۱۹۹۸؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱: ۸۳-۸۵، هلوک، ۱۹۷۷: ۱۲۸ و ۱۹۷۸ و ۱۹۸۵؛ هنکلمن، ۲۰۱۰: ۲۸-۳۳؛ هینز، ۱۹۷۱؛ کخ، ۱۹۹۲: ۲۳۵-۲۳۸؛ روت، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹.

^۵ - پرنکه عمومی داریوش بزرگ که در فاصله سال‌های ۲۵-۱۵ (۵۰۶-۴۹۷ ق.م) رئیس دستگاه اداری بایگانی بارو در تخت جمشید بود. او در بایگانی بارو بیشترین میزان جیره حقوقی را دریافت می‌کرد. وظیفه پرنکه نظارت و کنترل روند فعالیت‌های اداری در بایگانی بود. اگرچه محل کار او در تخت جمشید بود اما متن‌ها نشان می‌دهند که او بنابر ضرورت به مکان‌های دیگر نیز سفر می‌کرد و متن‌ها نشان می‌دهند که او دستورهایی را از آنجا برای مرکز بایگانی در تخت جمشید فرستاده است. برای مطالعه بیشتر درباره پرنکه و نقش او در بایگانی بارو نگاه کنید به اپرگیس، ۱۹۹۹؛ گریسون، ۱۹۸۸: ۲۴۱ و ۱۹۹۱ و ۲۰۰۰؛ گریسون و روت، ۲۰۰۱: ۴۰۵، هلوک، ۱۹۷۷: ۱۲۸-۱۲۹ و ۱۹۷۸ و ۱۹۸۵؛ هنکلمن، ۲۰۱۱؛ هینز، ۱۹۷۱؛ کخ، ۱۹۹۰؛ لویس، ۱۹۹۴؛ روت، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹؛ والا، ۱۹۹۳: ۲۶۴-۲۷۱.

^۶ - برای مطالعه درباره وسعت اداری بایگانی بارو و اینکه آیا شوش در محدوده بایگانی قرار می‌گیرد نگاه کنید به گریسون، ۱۹۹۶؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۱۰-۱۲۳ و ۲۰۱۱؛ پاتس، ۱۹۹۹: ۳۲۳-۳۲۴ و ۲۰۰۸.

کارمندان حوزه جغرافیایی زیر کنترل و مدیریت بایگانی بارو را به ۶ ناحیه تقسیم کرد. او بسیاری از نام-جای‌های به کار رفته بر روی لوح‌ها را به نواحی مختلف نسبت داد، در واقع او در بیشتر موارد با نادیده گرفتن پژوهش‌های پیشین، بر نظر خود اصرار داشت. به همان ترتیب محل کار اشخاص ذکر شده در لوح‌ها و محدوده استفاده از مهرشان را مشخص کرد. تقسیم ناحیه‌ای کخ به صورت زیر است:

ناحیه ۱: تخت جمشید به عنوان مرکز اصلی مدیریت و کنترل دستگاه اداری بارو که فعالیت‌های نقاط مختلف از آنجا سازماندهی و کنترل می‌شد (کخ، ۱۹۹۰: ۸-۳۰ و ۲۵۰-۲۶۲).

ناحیه ۲: شیراز و نواحی اطراف آن (همان: ۴۱-۶۸ و ۲۶۳-۲۶۶).

ناحیه ۳: جنوب شرقی فارس (همان، ۶۹-۱۰۸ و ۲۰۷-۲۷۵).

ناحیه ۴: جنوب غربی فارس: شامل منطقه فهلیان در مسیر ارتباطی به شوش است (همان: ۱۰۹-۱۳۴ و ۲۷۶-۲۸۹).

ناحیه ۵: شمال غربی فارس (همان: ۱۳۵-۱۵۵ و ۲۹۰-۲۹۶).

ناحیه ۶: عیلام (همان، ۱۵۶-۲۱۶ و ۲۹۷-۳۰۷).

البته تقسیم‌بندی کخ مورد شک و تردید بسیار است. زیرا هنوز نام بسیاری از مکان‌های ذکر شده در متن‌ها قابل شناسایی نیست. کخ در بیشتر موارد بدون ذکر دلیل قانع کننده‌ای نام‌جای‌ها را به حوزه جغرافیایی خاصی در تقسیم‌بندی خود نسبت می‌دهد. همچنین کخ محدوده دستگاه بارو را وسیع تر از آنچه متون اجازه می‌دهند، در نظر گرفت. البته خود کخ نیز معتقد است با توجه به اینکه در هنگام مطالعه لوح‌ها در اواخر دهه ۸۰ میلادی به علت درگذشت هلوک در آن هنگام، او به مجموعه لوح‌های منتشر نشده NN دسترسی نداشته، بنابر این مطالعه این متن‌ها به احتمال زیاد تغییرات زیادی را در تقسیم بندی‌هایی که او انجام داده، ایجاد خواهند کرد (مکالمه شخصی با کخ).

ارفعی در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۹ و همچنین در پایان نامه دکتری خود در سال ۲۰۰۸ جغرافیای تاریخی فارس بر مبنای متن‌های بارو را بررسی کرد، او پیرو نظر هلوک حوزه زیر کنترل بایگانی را به سه منطقه تقسیم کرده است. در سال ۱۹۹۹ در مقاله‌اش نقشه‌ای را برای حوزه جغرافیایی بارو بر مبنای شناخت برخی از نام‌جای‌های مهم در مسیر راه شاهی از تخت جمشید به شوش ارائه کرد. ارفعی سعی کرد که با تحلیل متن‌ها، حوزه نام‌جای‌های مهمی همانند هیدلی^۱، لیدومه^۲ و مکان‌های دیگر را شناسایی کند و در بسیاری از موارد تلاش کرده تا با استفاده از شباهت‌های نامی آنها را به شهر، روستا یا سایت مشخصی نسبت دهد، برای نمونه: بسیتمه^۳، را به بشت^۴، در حوزه فهلیان در نزدیک به بهبهان قرار

1- Hidali

2- Liduma

3- Bessitme

4- Bašt

می‌دهد^۱. اگرچه ارفعی تلاش داشته تا محل تقریبی بسیاری از نام‌جای‌هایی که بیشتر در متن‌ها به آنها اشاره شده را شناسایی کند اما در این میان متاسفانه در بسیاری از موارد همانند کخ با عدم استفاده از پژوهش‌های پیشین، بسیاری از نام‌جای‌ها را به نقطه خاصی نسبت داده که دلیل آن مشخص نیست. آپرگیس در سال ۱۹۹۶ در رساله کارشناسی ارشد خود نقشه‌ای از مسیرها و ایستگاه‌های بین شوش تا بهبهان ارائه کرد، او در سال ۱۹۹۹ تا حدودی این نقشه را کامل‌تر و منتشر نمود (۱۹۹۶: ۳۱ و ۱۹۹۹: ۱۵۴). او با مطالعه نام‌جای‌های مهم و مشخص‌تر سعی نمود که مسیر ایستگاه‌های سفر را بین تخت جمشید تا بهبهان ارائه دهد. آپرگیس تلاش داشته با استفاده از مقایسه و تحلیل نام‌های جغرافیایی و مهرها و اشخاص حدود تقریبی ایستگاه‌های مهم را شناسایی کند. آپرگیس تا حد نظرات هلوک را دنبال کرده است.

مسیرهای سفری که مسافران برای عبور انتخاب می‌کردند، محل قرار گرفتن ایستگاه‌ها، فاصله آنها از یکدیگر از مباحث مهم است. بیش از ۷۰۰ مکان ذکر شده در متن‌های بارو در کجاها قرار داشتند؟ چگونه می‌توان کارمندان فعال در هر محل یا حوزه خاص را شناخت و مشخص نمود که هر یک در کجا، در چه بازه زمانی فعال بوده‌اند؟ متاسفانه در برخی از موارد نمی‌توان، مشخص کرد که شخص مورد نظر در چه محلی اشتغال داشته است. اگرچه برخی از کارمندان در ارتباط با چندین نام‌جای ذکر می‌شوند اما در بیشتر موارد تنها بنابر کنار هم گذاشتن داده‌ها و شواهد می‌توان حدود جغرافیایی آن را حدس زد. اگرچه، کخ، ارفعی و آپرگیس نقشه‌هایی را درباره پراکندگی مکان‌های جغرافیایی و ایستگاه‌ها سفر ارائه کرده‌اند اما متاسفانه آنها در ارائه نقشه و مکان‌یابی نام‌جای‌ها نسبت به وضعیت جغرافیایی منطقه و داده‌های باستان‌شناسی بی‌توجه بوده‌اند و به ندرت می‌توان هر سه این اشخاص را در شناخت محل یک نام‌جای هم نظر دانست و گاهی تفاوت بسیاری بین نظریه‌هایشان وجود دارد. به عنوان مثال کخ، بسیمه را در حوزه شوشتر قرار می‌دهد (۱۹۸۶: ۱۳۳). درحالی که ارفعی (۲۰۰۸) آن را در شرق فهلیان در نزدیکی بهبهان در محل شهر امروزی بشت می‌داند و آپرگیس (۱۹۹۶: ۳۱) با کمی فاصله، آن را در نزدیکی دوگنبدان قرار می‌دهد. نقشه‌های ارائه شده توسط آنها، دستی است و بدون توجه به ویژگی‌های جغرافیایی مسیرها را ترسیم کرده‌اند. در حالی که خصوصاً حوزه بین کامفیروز و فهلیان و منطقه فهلیان، کوهستانی است و مطمئناً راه‌ها و ارتباط بین شهرها و روستاها به وضعیت جغرافیایی بسیار وابسته بوده است.

بنا به نظر نگارنده برای شناخت مسیرهای سفر مسافران و ایستگاه‌های سفر باید چند نکته را در نظر گرفت:

^۱ - برای مطالعه درباره بسیمه و محل‌های پیشنهادی برای آن نگاه کنید به آپرگیس، ۱۹۹۶: ۲۶-۲۸ و ۳۱؛ ارفعی، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸: ۱۲۶-۱۲۵؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۵۰۲؛ ۱۱۶۴/۱۱۶۳ fin.؛ کخ، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰: ۱۹۰؛ پاتس، ۲۰۰۸: ۷؛ ۱۹۹۳.

۱- در متن‌ها مبدا و مقصد سفر ذکر شده و به جز در تعداد بسیار اندکی از متن‌ها^۱ نام ایستگاهی که مسافران جیره خود را دریافت می‌کردند، آمده است (جدول ۲). همچنین در حدود نیمی از متن‌ها مبدا یا مقصد سفر ذکر نشده و یا تنها یکی از آنها آمده است.

۲- در برخی از متن‌ها مبدا یا مقصد سفر محل جغرافیایی خاص نیست، بلکه یک شخص است که در مکانی مستقر بود. البته این اشخاص، شخص شاه و مقام‌های مهم اداری بارو مانند پرنکه یا زیشویش هستند. چنانچه در متن‌های PF در ۶ متن^۲، شاه مبدا سفر و در ۲۶ متن^۳ شاه به عنوان مقصد سفر ذکر شده است.

۳- همانگونه که در بخش‌های قبل نیز به آن اشاره شد، بخش زیادی از شناخت ما از این شبکه پیچیده اداری بارو، به کارگیری داده‌های غیرمستقیم است. برای شناخت مسیرهای جغرافیایی نیز باید این داده‌ها رو بیاوریم، از مهم‌ترین این اطلاعات دست دوم، متن‌های مربوط به تهیه‌کنندگان کالا و مهرها هستند. کنار هم گذاشتن متن‌های دارای نام کارمند خاص و مهر خاص، همکاران آنها، استخراج اینکه نام آنها با چه مکان‌های جغرافیایی آمده است و مقایسه آنها با یکدیگر این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوانیم برخی مکان‌های جغرافیایی را شناسایی کنیم. اگرچه این در بهترین حالت است و در بسیاری از موارد داده‌ها همواره به صورت کامل ما را یاری نمی‌دهند.

۴- جدا از بحث مکان‌یابی نام‌جای‌های ذکر شده در متن‌ها، مسیرهای ارتباطی و جاده‌ها است. با توجه به اینکه افراد مختلفی اعم از کارمندان، گروه‌های کار، مسافران از این راه‌ها عبور می‌کردند و همانگونه که ذکر شد با توجه به تعداد بسیار زیاد نام‌جای‌های ذکر شده در متن‌ها منطقی نیست که فکر کنیم همه این راه‌ها در مسیر راه معمول تخت جمشید به شوش قرار داشتند. برخی از مناطق ذکر شده در متن‌ها همانند حوزه کوپیریش - که حوزه جغرافیایی بسیار مهمی است - اصلاً در مسیر راه شاهی قرار نمی‌گیرند. بنابر این به نظر نگارنده بر پایه مطالعه متن‌ها می‌توان مسیرهای عبور و مرور را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- راه شاهی: چنانچه شواهد نشان می‌دهند شهرها و ایستگاه‌های مهمی همانند: هیدلی، لیدومه در مسیر راه شاهی قرار داشتند.

۲- راه‌های محلی: با توجه به اینکه متن‌های بارو راجع به تهیه و گردآوری، پخش مواد غذایی و دامی هستند بنابر این بسیاری از نام‌جای‌های ذکر شده در متن‌ها، انبارها و مراکز تولید و نگهداری

^۱ - چنانچه در متن‌ها PF در ۱۹ متن علاوه بر مبدا و مقصد سفر نام ایستگاهی که مسافران جیره را دریافت کرده اند، ذکر شده است. به عنوان مثال در PF 1309 مسافران جیره خود را در کوردوشوم دریافت کرده‌اند که تهیه کننده هتوردده بوده است.

^۲ - PF 1285, PF 1344, PF 1397, PF 1572, PF 1574, PF 1578

^۳ - PF 1313, PF 1315, PF 1316, PF 1319, PF 1320, PF 1324, PF 1359, PF 1437, PF 1438, PF 1443, PF 1444, PF 1449, PF 1455, PF 1462, PF 1474, PF 1477, PF 1507, PF 1518, PF 1528, PF 1530, PF 1534, PF 1535, PF 1536, PF 1560, PF 2052, PF 2054

محصولات‌اند که در مناطق محلی قرار دارند و مطمئناً رفت و آمدها از طریق راه‌های محلی صورت می‌گرفته است.

نام محل یا شخص	مبدا	مقصد	نام محل یا شخص	مبدا	مقصد
آراخوزیه (Arachosia)	۴	۳	شاه	۶	۲۶
آریا (Areia)	۲	۲	شوش	۴۸	۶۸
ایرتوپیه (Irtuppiya)	-	۱	شورنوشه (Šurauša)	-	۱
ایردوبمه (Irdubama)	۱	۱	سندوپیرزانه (Šandupirzana)	-	۱
باکتریا (Bactria)	۲	-	عیلام	-	۴
بابل	۱	۱	کولو (Kullu)	۱	-
آشور	-	۱	کک ویشه (Kakawišša)	-	۱
بَکَبَدوش (Bakabaduš)	۲	-	کرکیش (Karkiš)	-	۱
باریکنه (Barrikana)	۲	۱	کوتیناکو (Kutinnāku)	-	۱
بَکَبَنه (Bakabana)	-	۱	ماشنه (Māšana)	-	۱
بدون ذکر محل	۸۶	۹۱	مَتش (Mattaš)	-	۱
پارس	۲	-	متزیش (Matziš)	۲	۱۱
پرنکه (Parnaka)	۶	۸	مصر	-	۱
پَرِبَنه (Parribana)	-	۱	مَکَش (Makkaš)	-	۲
تخت جمشید	۲۰	۴۹	مَؤِپَرَنه (Mauparna)	۱	-
تموکن (Tamukkan)	-	۶	مینمیره (Minmira)	۱	-
تَنَک (Tankak)	-	۱	میتونه (Mituna)	۱	-
روشنه (Rušda)	-	۱	میشمنه (Mišmina)	-	۱
زیشویش (Ziššwiš)	-	۴	موتوریمَن (Muturriman)	-	۱
سارد	۱	۱	یَپَرَشه (Yaparša)	-	۱
سَگَرَتیه (Sagatia)	-	۱	یَتوتونه (Yatutn)	-	۱

جدول ۲- مکان‌ها و اشخاص^۱ مبدا و مقصد سفر در متن‌های PF و Pfa

۲-۵- تاریخ

مجموعه متن‌های عیلامی و آرامی بایگانی بارو مربوط به یک دوره شانزده ساله از سال ۱۳ تا ۲۸ سلطنت داریوش بزرگ (۴۹۳-۵۰۹ ق.م) است. اگرچه در میان مجموعه متن‌ها، حدود نیمی از آنها متعلق به سال‌های ۲۲ و ۲۳ است که دلیل این ناهماهنگی در تاریخ‌های موجود در متن‌ها هنوز نیست.

^۱ - ایردوبمه، ایرتوپیه، بَکَبَدوش، پرنکه، زیشویش، کرکیش و شخص شاه اشخاصی هستند که در متن‌های سفر به عنوان مبدا یا مقصد سفر ذکر شده‌اند.

به طور معمول در این متن‌ها سال و ماه یا ماه‌های مشخصی و در برخی نیز روز ذکر شده است. ماه‌ها در متن‌ها با نام مشخص نیامده‌اند بلکه به ترتیب توالی عددی نوشته شده‌اند. به عنوان مثال PF 1286 ماه دوم از سال^۱ ۲۲ در برخی از گروه‌های متنی مربوط به پرداخت حقوق کارگران، جیره‌ها برای چندین ماه پیاپی پرداخت می‌شد. در PF 1183 جیره حقوقی شراب به ۱۲۰ کارگر برای ماه پنجم و ششم و هشتم سال ۲۱ پرداخت شده است.

در لوح‌های عیلامی به صورت همزمان هم ماه‌های پارسی باستان و هم عیلامی استفاده می‌شدند.^۲ در بیشتر لوح‌هایی که ماه‌های عیلامی مورد نظر بوده، مانند PF 1520 فرمول نوشتن تاریخ به این صورت بود، ماه اول (عیلامی) سال ۲۳ یا در PF 1521، ماه هشتم (عیلامی) سال ۲۸. بررسی لوح‌های دارای ماه عیلامی نشان می‌دهد که ماه‌های عیلامی در حوزه فہلیان استفاده می‌شدند و هیچ یک از لوح‌هایی که در تخت جمشید و نواحی اطراف آن نوشته شده دارای ماه‌های عیلامی نیست و ماه‌های پارسی باستان برای تاریخ‌گذاری کردن، مورد استفاده بود (هلوک، ۱۹۶۹: ۷۴-۷۵؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۲۲-۱۲۵).

در متن‌های سفر هر دو شیوه تاریخ‌گذاری ماه‌ها (پارسی باستان و عیلامی) استفاده شده است. نکته جالب توجه در متن‌های Q این است که با وجود اینکه جیره برای یک روز سفر پرداخت می‌شده، تاریخ روز، به جز در دو یا سه مورد ذکر نشده و تنها ماه بر روی لوح نوشته شده است. مطالعه متن‌ها نشان می‌دهد که از میان ۷۱۹ لوح، تقریباً ۲۶ درصد از مجموعه لوح‌ها تاریخ ندارد یا تنها ماه مورد نظر ذکر شده و سال نیامده است. حدود ۲۷ درصد متعلق به سال ۲۲، تقریباً ۳۴ درصد سال ۲۳ و سپس سال ۲۸ حدود ۹ درصد از مجموعه لوح‌ها را تشکیل می‌دهد و ماه‌های دیگر هر یک حدود دو تا سه درصد متن‌ها را تشکیل می‌دهند (جدول ۳).

سال								تعداد لوح‌ها
بدون تاریخ	۲۸	۲۷	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۱۹	۷۱۹
%۲۶	%۹	%۲	%۱	%۳۴	%۲۷	%۲	%۱	

جدول ۳- آمار از سال‌های ذکر شده در متن‌های سفر

^۱ - محاسبه سال‌های ذکر شده در متن‌ها بر اساس سال سلطنت داریوش بزرگ است. اگرچه در متن‌ها عنوان شاه ذکر نشده و تنها به ذکر سال اکتفا شده است.

^۲ - در متن‌های آرامی بایگانی بارو برخلاف لوح‌های عیلامی، تاریخ‌ها به بابلی نوشته شده‌اند (آزونی، ۲۰۰۸؛ تاورنیه، ۲۰۰۸). به نظر می‌رسد که این متن‌ها توسط کاتبان بابلی نوشته می‌شدند. در نامه‌های (متن‌های T) PF 1808، PF 1807 و PF 1828. پرنکه دستور پرداخت جیره شراب برای کاتبان بابلی که روی پوست می‌نویسند را داده است. در متن حسابرسی PF 1947 نیز در خط ۲۴-۲۳ و ۲۵-۲۶ پرنکه در سال ۲۱ دستور پرداخت جیره برای کاتبان بابلی را داده و در همین متن در خط ۲۹ این دستور توسط زیشویش، معاون وی صادر شده است. در Fort 8265 نیز به این کاتبان اشاره کرده‌اند.

۲-۶- سند مهر شده

در متن‌های بارو و خزانه تخت جمشید، کارمندان در ماموریت‌های اداری و مسافران در مسیر سفر خود، سند مهر شده‌ای که مجاز بودن، حرکت آنها را تایید می‌کرد، به همراه خود حمل می‌کنند که اصطلاحاً به آن هلمی^۱ گفته می‌شد. هلمی توسط شاه و درباریان و مقام‌های مهم اداری صادر می‌شده است. کامرون (۱۹۴۸: ۵۳-۵۴) و هلوک (۱۹۵۰: ۲۴۰-۲۴۷) هر دو هلمی را به عنوان سند مهر شده ترجمه کرده‌اند. چنانچه آنها عبارت «Hal- mi sunki- na ku- iz- da» به معنای «او سند مهر شده از سوی شاه حمل می‌کرد»، خوانده‌اند. در برخی از متن‌ها نیز به جای هلمی، کلمه *miyatukkaš* به معنای اجازه را نوشته‌اند، عبارت «mi- ya- tuk- kaš sunki- na ku- iz- da» به معنای «او اجازه (مجوز) از طرف شاه حمل می‌کرد» که معادل فارسی باستان آن *Viyātika- (viaticum)* است (هلوک، ۱۹۶۰: ۲۴۷-۲۴۹؛ هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۴۳). والا نیز هلمی را به عنوان «سند مهر شده» ترجمه کرده است (والا، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷).

هنکلمن (۲۰۰۸: ۱۵۱، fn. ۳۳۴) به این موضوع اشاره دارد که در واقع هلمی در اصل به معنای «مهر» است. چنانچه پرنکه در دو نامه اداری PF 2067 و PF 2068 که توضیح می‌دهد که مهرش (PFS 9) را عوض کرده از واژه هلمی برای اشاره به مهر استفاده می‌کند. همچنین در لوح‌های PF 1988 و NN 896 برای اشاره به مهر از هلمی استفاده شده است. البته هنکلمن اشاره دارد که می‌توان آن را به عنوان «سند مهر شده» نیز دانست.

در متن‌های سفر، سند مهر شده از سوی شاه، ساتراپ (آرتَرن^۲ ساتراپ سارد در PF 1404)، درباریان مانند ایرتشتونه و ایردومه یا مقام‌های بلندپایه اداری (پرنکه، زیشویش و کارمندان بلندپایه دیگر) صادر می‌شد. روت (۲۰۰۸) معتقد است که این سند مهر شده نه تنها توسط صادرکننده آن بلکه توسط خود مسافر نیز مهر می‌شده است. اینکار باعث می‌شد که از هر نوع سوءاستفاده احتمالی در صورت گم شدن سند مهر شده جلوگیری گردد. زیرا دزد نمی‌توانسته از آن استفاده کند، مگر مهر مسافر را نیز دزدیده باشد. نکته دیگری که روت بر آن تاکید دارد، این است که در واقع این (مهر شدن هلمی توسط مسافران) به ما کمک می‌کند تا بتوانیم این روند را توضیح دهیم که چگونه تهیه‌کنندگان کالا در بخش‌های مختلف فعال در بایگانی بارو با صدها مهر خارجی که وارد محدوده زیر کنترل آنها می‌شد، مواجه می‌شدند (روت، ۲۰۰۸).

بسیاری از پژوهشگران از جمله روت، هنکلمن و تاپلین معتقدند که در برخی از موارد هلمی برای یک سفر دو طرفه به مسافران داده می‌شد. چنانچه در PF 1474, PF 1320 مقصد سفر شاه است، در حالی که سند مهر شده نیز از سوی شاه صادر شده است. این متن‌ها، تایید می‌کنند که در برخی موارد

^۱ - Halmi

^۲ - Artafarna

سند مهر شده برای یک سفر رفت و برگشت صادر می‌شد. البته احتمالاً بسیاری از سفرها یک طرفه انجام می‌شد (هنکلمن، ۲۰۰۸: ۱۴۰-۱۴۲؛ روت، ۲۰۰۸؛ تاپلین، ۱۹۹۸).

در مجموعه متن‌های مطالعه شده، ۱۰ شخص سند مهر شده برای مسافران صادر کرده‌اند. در حدود ۲۵ درصد متن‌ها هلمی از سوی شاه صادر شده، سپس بَکَبَنَه^۱ با حدود ۲۰ درصد، پرنکه حدود ۱۷ درصد و زیشویش در حدود ۱۳ درصد متن‌ها، هلمی را صادر کرده‌اند.

سند مهر شده (هلمی)								تعداد لوح‌ها
بدون هلمی	ارتافرن	کرکیش	ایردوبَمَه	بَکَبَدوش	بَکَبَنَه	زیشویش	پرنکه	شاه
۱۴٪	۱٪	۵٪	۱٪	۱٪	۲۰٪	۱۳٪	۱۷٪	۲۵٪

جدول ۴- اشخاص صادر کننده هلمی

نکته قابل توجه این است که می‌توان بر مبنای هلمی در برخی از متن‌ها محل حضور شخص صادرکننده آن را تشخیص داد، در متن‌هایی که بَکَبَدوش^۲ سند مهر شده را صادر کرده است، مبدأ سفر به طور معمول قندهار (PF 1358) یا آراخوزیه (PF 1351) و مقصد شوش یا شاه است. احتمالاً بَکَبَدوش ذکر شده در این متن‌ها به عنوان صادرکننده سند مهر شده، می‌تواند همان ساتراپ منطقه باشد. در اکثر متن‌هایی که بَکَبَنَه، هلمی را صادر کرده، مبدأ سفر شوش است، بنابر این احتمالاً وی در شوش و منطقه شوشان فعال بوده است.

۲-۷- جیره‌های سفر (نوع، مقدار)

همانگونه که اشاره شد، متن‌های بایگانی بارو مربوط به تولید، ذخیره و پخش محصولات غذایی محلی، توزیع این مواد به صورت جیره‌های حقوقی یا برای مراسم مذهبی، درباریان و بزرگان، کارمندان، صنعت-گران، کارگران، مسافران و حیوانات است. به طور معمول کالاهایی که برای پرداخت جیره‌ها استفاده می‌شد: آرد، آبجو و شراب و به ندرت غله معمول بود و کالاهایی همانند، گوشت به افراد با جایگاه اجتماعی بالا داده می‌شد.

در متن‌های سفر نیز، جیره‌ها شامل مواد معمول ذکر شده در بالا است، حدود ۸۰ درصد جیره‌های پرداخت شده، آرد است، آبجو و شراب حدود ۱۰ درصد پرداخت‌ها را تشکیل می‌دهند. در برخی متن‌ها نیز مواد غذایی دیگری پرداخت شده است. به عنوان مثال در PF 2057 و PF 1573 گوسفند، در PF

^۱ - Bakabana

^۲ - Bakabaduš

2056، 1571-1569 PF غله، در 1577 PF خرما، 1579 PF کنگد، در چند مورد هم نمی‌دانیم نام ذکر شده مربوط به چه کالایی است همانند: 1578 PF نام کالا hallaki.

در متن‌های بارو واحد مقیاس برای محاسبه کردن کالاهای خشک «بار^۱» و واحد محاسبه میزان کالاهای مایع «مریش^۲» است. در چند متن برای کالاهای مایع بار را به جای مریش به کار برده‌اند، PF (877 و 1552) که دلیل آن نامشخص است ولی احتمال دارد که اشتباهی نوشته شده باشد. میزان محاسبه واحد کوچک‌تر برای کالاهای خشک و مایع یکسان و بر مبنای قه است و هر یک بار و مریش برابر با ۱۰ قه، تقریباً معادل ۹ کیلوگرم است. جیره‌های کارگران به طور معمول بر مبنای قه محاسبه و پرداخت می‌شد که کم‌ترین مقدار روزانه جیره ۱ قه (نزدیک به ۱ لیتر) برای کارگران ساده و خدمتکارها بود.

در متن‌های سفر، جیره‌های آرد به سه اندازه ۱، ۱٫۵، ۲ قه برای یک روز سفر توزیع می‌شد. که کم‌ترین مقدار ۱ قه و ۱٫۵ قه مقدار معمول برای افراد با رده اجتماعی بالاتر و ۲ قه به ندرت (PF 1447) پرداخت شده است. جیره‌های شراب و آبجو در کمترین مقدار ۱٫۳، مریش و بیشترین مقدار ۱٫۵ قه است. برای جیره‌هایی که به صورت کالاهای دیگری همانند غله یا خرما یا کنگد پرداخت شده، واحد مقدار همان بار است. برای گوسفند سهم بیان شده که هر شخص یک سهم می‌گیرد که هلوک (۱۹۶۹: ۴۵) این سهم را مقدار یک دهم و یا دو بیست و یکم می‌داند. البته هنکلمن اشاره دارد که احتمالاً این مقدار کمتر بوده، زیرا مقداری که هلوک مطرح می‌کند معادل ۳ تا ۴ کیلوگرم گوشت است که یک انسان بزرگسال در یک روز نمی‌تواند این مقدار را مصرف کند (هنکلمن، ۲۰۰۸: ۵۰۰).

۳- جمع‌بندی مطالب

اطلاعات ارائه شده در متن‌های سفر از جنبه‌های متعدد از اهمیت برخوردار است. این متن‌ها مربوط به فعالیت اداری مشخص شامل، تهیه جیره برای مسافران است که توسط کارمندان و اداره‌ها در محدوده جغرافیایی و با مهرهای مشخص کارمند یا اداره تهیه‌کننده و مهر دریافت‌کننده، انجام می‌شد. نکته بسیار مهم این لوح‌ها آن است که برای بیشتر لوح‌ها می‌دانیم، چه کسی، در چه محلی، در چه تاریخی (سال و گاهی ماه) و در چه اداره‌ای، لوح را مهر کرده است. همچنین مهر کارمند و تهیه‌کننده با مهرهای دیگری که همراه با او به کار برده شده‌اند، چه ارتباط مشخصی دارد.

تحلیل عنوان شغلی کورمین نشان داد که آنها از یک سو کالاها را از انبارها تحویل می‌گیرند و از سوی دیگر آن را به صورت جیره‌های غذایی به عنوان حقوق به کارمندان و کارگران یا جیره سفر به مسافران پرداخت می‌کنند. البته باید اشاره کرد که همه کورمین‌ها تنها این وظیفه را ندارند، بلکه آنها فعالیت‌های شغلی دیگری را نیز در بایگانی بر عهده دارند.

¹ - BAR

² - marriš

اگرچه در حدود نیمی از متن‌های سفر نام تهیه‌کننده کالا را ندارند، اما مهرهای آنها بر روی متن‌ها استفاده شده است. این مسئله نشان می‌دهد که در واقع نام تهیه‌کننده و مهر استفاده شده توسط او بر روی لوح مکمل یکدیگر بوده‌اند. البته شواهد نشان داد که مهرها از اهمیت بالاتری برخوردار و استفاده از آنها ضرورت داشته است. اگرچه به لحاظ هویتی در بسیاری از موارد نمی‌توان، مشخص کرد مهر استفاده شده بر روی لوح مهر اداری است یا مهر شخصی کارمند تهیه‌کننده کالا است. چنانچه لوح‌های سفر را به لحاظ کاربرد مهر در سمت چپ و مرتبط بودن با تهیه‌کنندگان، می‌توان به ۵ گروه تقسیم کرد. مهرهایی متعلق به یک کارمند مشخص، مهرهایی که مرتبط با چند کارمند، چندین مهر مرتبط با یک کارمند، مهرهای بدون نام تهیه‌کننده و همچنین لوح‌هایی که بدون مهراند.

مسافرانی که تهیه‌کنندگان برای آنها در مسیر سفر در محدوده اداری بایگانی بارو جیره تهیه می‌کنند از گروه‌های مختلفی تشکیل شده‌اند. گروهی از آنها مسافرانی‌اند که از بخش‌های دیگر شاهنشاهی و راه‌های دور بنا به دلایل متعدد به بخش مرکزی شاهنشاهی هخامنشی سفر کرده‌اند. این اشخاص توسط راهنمایان سفر به مقصد مورد نظرشان هدایت می‌شدند. گروهی از این مسافران را گروه‌های کار تشکیل می‌دهند و همچنین کارمندانی مانند حسابداران و مامورین مالیاتی که برای انجام ماموریت‌های اداری به بخش‌های مختلف سفر می‌کنند. پیک‌های تندرو یا چارها نیز گروه دیگری از مسافران را تشکیل می‌دهند که معمولاً به تنهایی یا در گروهی حداکثر سه نفره مسافرت می‌کنند. همه این مسافران با در دست داشتن سند مهر شده‌ای به نام هلمی از سوی شاه یا کارمندان بلند رتبه اداری جیره‌های سفر خود را در ایستگاه‌های مختلف در مسیر سفرشان دریافت می‌کردند.

منابع

- Abdi, K. (2001). "Malyan 1999", Iran 39: 73- 98.
- Aperghis, G.G.(1996). *Travel Routes and Travel Stations from Persepolis*, M.A.Thesis, University of London.
- Aperghis, G.G. (1997). "Surplus, Exchange and Price in the Persepolis Fortification Texts." In J. Andreau, P. Briant, R. Descat eds., *Economie antique. Prix et formation des prix dans les economies antiques. Entretiens d'archdologie et d'histoire (Saint-Bertrand-de-Comminges:M us6e archeologique d6partmental)*, pp. 277-290.
- Aperghis, G.G. (1998). "The Persepolis Fortification Texts-Another Look." In M. Brosius and A. Kuhrt eds., *Aspects of Achaemenid History: Essays in Memory of D.M. Lewis*, Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten, pp. 35-62.

- Aperghis, G.G. (1999). "Storehouses and Systems at Persepolis: Evidence from the Persepolis Fortification Tablets", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 42, No. 2, pp.152-193.
- Arfaee, A. (1999). "La grande route Persépolis-Suse. Une lecture des tablettes provenant des Fortifications de Persépolis", *Topoi* 9.1: 33-45.
- Arfaee, A. (2008). *The Geographical Background of the Persepolis Tablets*, Ph.D Dissertation, University of Chicago.
- Azzoni, A. (2008). "The Bowman and The Aramaic Tablets", in *L'archive des Fortifications de Persépolis. État des questions et perspectives de recherches*. Paris., P. Briant; W. Henkelman & M. Stolper (eds.), (Persika 12), Paris: De Boccard: 253-236.
- Boucharlat, R. (2005). 'Iran', in *L'archéologie de l'empire achéménide: nouvelles recherches*. Briant and Boucharlat, eds., Paris.221-92.
- Bowman, R.A. (1970). *Aramaic Ritual Texts from Persepolis*. Chicago.
- Briant, P. (1996). *Histoire de l'Empire Perse*, Paris: Fayard.
- Briant, P. (2006). "L'économie royale entre privé et public", in R. Descat (ed.), *Approches de l'économie hellénistique* (Entretiens d'Archéologie et d'Histoire Saint-Bertrand-de-Comminges 7), Saint-Bertrand-de Comminges: 343-58.
- Brosius, M. (1996). *Women in Ancient Persia (559- 331)*, Oxford.
- Brosius, M. (2003). "Reconstructing an Archive: Account and Journal Texts from Persepolis", in *Ancient Archives and Archival Traditions*, M. Brosius (eds.), Oxford.
- Cameron, G. (1948). *Persepolis Treasury tablets*, oriental Institute Publication, university of Chicago Press.
- Carter, E. (1994). 'Bridging the Gap between the Elamites and the Persians in Southeastern Khuzistan', in *Continuity and Change: Proceedings of the last Achaemenid History Workshop, April 6-8*, H. Sancisi-Weerdenburg, E. Kuhrt and M. Root, (eds.), *Ann Arbor, Michigan*. Leiden 65-95.
- Dandamaev, M. A. (1976). *Persian unter den ersten Achaménidén (6. Jahrhundert v. Chr.)*(Beiträge zur Iranistik 8), Wiesbaden.
- Dandamaev, M. A. and V. G. Lukonin, (1989). *The Culture and Social Institutions of Ancient Iran*, Cambridge.
- Dusinberre, E.R.M. , (2008). 'Seal Impressions on the Persepolis

- Fortification Aramaic tablets: Preliminary Observations', in *L'archive des Fortifications de Persépolis. État des questions et perspectives de recherche*, P. Briant, W. Henkelman and M. Stolper, (eds.), Paris: 239-252.
- Garrison, M.B. (1988). *Seal Workshop and Artists in Persepolis: a Study of Seal Impressions Preserving the Theme of Heroic Encounter on the Persepolis Fortification and Treasury Tablets*, PhD Dissertation, University of Michigan (UMI 8907034), Ann Arbor.
- Garrison, M.B. (1991). "Seals and the Elite at Persepolis: some Observations on Early Achaemenid Persian Art", *Ars Orientalis* 21: 1- 29.
- Garrison, M.B. (1996). 'A Persepolis Fortification Seal on the Tablet MDP 11 308 (Louvre Sb 13078)', *Journal of Near Eastern Studies* 55: 15-35.
- Garrison, M.B. (1998). "The Seals of Ašbazana (Aspathines):, in *Studies in Persian History. Essay of Memory of David M. Lewis*, M. Brosius & A. Kuhrt (eds.), Achaemenid History XI, Leiden: 115- 131.
- Garrison, M.B. (2000). 'Achaemenid Iconography as Evidenced by Glyptic Art: Subject Matter, Social Function, Audience and Diffusion', in *Images as Media: Sources for the Cultural History of the Near East and the Eastern Mediterranean (1st Millennium BCE)*. C. Uehlinger, (eds.), Fribourg – Göttingen: 115-163.
- Garrison, M.B. (2006). "The Late Neo- Elamite Glyptic Style: A Perspective from Fars, *Bulletin of the Asia Institute* 16: 65- 102.
- Garrison, M.B. (2008). 'The uninscribed tablets from the Fortification archive: a preliminary analysis', in *L'archive des Fortifications de Persépolis. État des questions et perspectives de recherche*, P. Briant, W. Henkelman and M. Stolper, (eds.), Paris: 149-238.
- Garrison, M.B. (2009). 'Visual Representation of Deities and Demons in Early Achaemenid Iran: Old Problems, New Directions', www.religionswissenschaft.uzh.ch/idd/prepublication.php; accessed 08/12/2010; to be printed in Uehlinger and Graf, eds].
- Garrison, M.B. (2011). "The Seal of 'Kuraš Anšanite, son of Šešpeš' (Teispes), PFS 93: Susa- Anšan- Persepolis, in *Elam and Persia*, J. Alvarez- Mon & M. Garrison (eds.), Winon Lake: 375- 406.

- Garrison, M.B., and M.C. Root (1998). *Persepolis Seal Studies. An Introduction with Provisional Concordances of Seal Numbers and Associated Documents on Fortification Tablets 1-2087*. Leiden [updates on www.achemenet.com].
- Garrison, M.B., and M.C. Root (2001). *Seals on the Persepolis Fortification Tablets*, part 1: *Images of Heroic Encounter*, 2 vols. Chicago.
- Giovinazzo, G. (1987), "Le Vin šap dans les Tablettes de Perseopolis", *Akkadika* 63: 12- 26.
- Giovinazzo, G. (1994a). "Les Documets de Voyage dans les Textes de Persepolis", *Annali dell Istituto Universitario Orientale di Napoli* 54: 18- 31.
- Giovinazzo, G. (1994b). "Les Voyages de Darius dans les Regions Orientales de l Empire", *Annali dell Istituto Universitario Orientale di Napoli* 54: 32- 45.
- Greenfield, J. C. and B. Porten(1982). *The Bistun Inscription of Darius the Great, Aramaic Version* (C II 1. 5. 1), London.
- Hallock, R. (1950). "New Light from Persepolis", *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 9, No. 4 (Oct., 1950): pp 237- 252.
- Hallock, R. (1969). *Persepolis Fortification Tablets* (OIP 92), Chicago.
- Hallock, R. (1973). "On the Middle Elamite Verb", *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 32, No. 1/2 (Jan. - Apr., 1973): pp. 148- 151.
- Hallock, R.(1977). "The use of seals on the Persepolis Fortification Tablets ", In *Seals and Sealing in ancient Near East*. Bibliotheca Mesopotamia 6, edited by McGuire Gibson and Robert D, Biggs, pp 127-133.
- Hallock, R.(1978). *Selected Fortification Texts*, CDAFI 8: 109-136.
- Hallock, R.(1985). "The Evidence of the persepolis Tablets", in *The Cambridge History of Iran*, volume II: The Median and Achaemenid periods, edited by Ilya Gershevitch, Cambridge, Cambridge university press, pp 588- 609.
- Handley- Schachler, M. (1998). "The *lan* Ritual in the Persepolis Fortification texts" in *Studies in Persian History. Essay of Memory of David M. Lewis*, Achamenid History XI, M. Brosius & E. Kuhrt (eds.), Leiden: 195- 204.
- Henkelman, W.F.M. (2008). *The Other Gods Who Are: Studies in Elamite-Iranian Acculturation Based on the Persepolis Fortification Texts*. Leiden.

- Henkelman, W.F.M. (2010). "Consumed before the King." The Table of Darius, that of Irdabama and Irtaštuna, and that of his satrap, Karkiš', in *Der Achämenidenhof / The Achaemenid Court*, B. Jacobs and R. Rollinger, (eds.), Wiesbaden: 667-775.
- Henkelman, W.F.M. (2011). "Parnakka's Feast: *šip*", in *Pārsa and Elam*, Álvarez-Mon and Garrison, eds., 89-166.
- Henkelman, W.F.M., C.E. Jones and MW.Stolper(2006). 'Achaemenid Elamite Administrative Tablets, 2: The Qašr-i Abu Našr Tablet', *ARTA* 2006.003.
- Herzfeld, E.E.(1938). *Altpersische Inschriften* (Archäologische Mitteilungen aus Iran Erg Bd. 1), Berlin.
- Herzfeld, E.E. (1941). *Iran in the Ancient East*. London – New York.
- Hinz, W. (1971). "Achämenidische Hofverwaltung, Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie 61: 260-311.
- Hinz, W and H.Koch(1978). *Elamisches Wörterbuch*, 2 vols. (Archäologische Mitteilungen aus Iran Erg Bd. 17), Berlin.
- Jones, C.E., and Stolper, M.W. (1986), 'Two Late Elamite Tablets at Yale', in: De Meyer, Gasche and Vallat, eds., 243-254.
- Jones, C.E., and M.W. Stolper(2008). "How Many Persepolis Fortification Tablets Are There", in *L'archive des Fortifications de Persépolis. État des questions et perspectives de recherche*, P. Briant, W. Henkelman and M. Stolper, (eds.), Paris: 27- 49.
- Koch, H. (1986). *Die Achämenidenzeit Poststraße von Persepolis nach Susa*, AMI 19: 133- 147.
- Koch, H.(1990). *Verwaltung und Wirtschaft im persischen Kernland zur Zeit der Achämeniden* (TAVO Beih. B89), Wiesbaden.
- Koch, H. (1992). *Es kündigt Dareios der König... Vom Leben im persischen Großreich*, Mainz.
- Krefter, F. (1971). *Persepolis Rekonstruktionen*. Berlin.
- Kuhrt, E. (2007). *The Persian Empire: A Corpus of Sources from the Achaemenid Period*, 2 vols. London.
- Lewis, D.M. (1977), *Sparta and Persia*, Leiden.
- Lewis, D.M. (1987) The King's Dinner (Polyaenus IV 3,32), in: *Achaemenid History II: The Greek Sources*, H. Sancisi-Weerdenburg & A. Kuhrt (eds.), Leiden: 79-87.
- Lewis, D.M. (1994). The Persepolis Tablets: Speech, Seal and Script, in: A.K. Bowman & G. Woolf (eds.), *Literacy and power in the ancient world*, Cambridge: 17-32
- Mofidi Nasrabadi, B. (2005). 'Eine Steininschrift des Amar-Suena

- aus Tappeh Bormi (Iran)', *Zeitschrift für Assyriologie* 95: 161-171.
- Musavi, A. (1992). 'Parsa, a Stronghold for Darius. A Preliminary Study of the Defense System of Persepolis', *East and West* 42: 203-226.
 - Potts, D. (1999). *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*. Cambridge.
 - Potts, D. (2008), 'The Persepolis Fortification texts and the Royal Road: another look at the Fahliyan area,' in *L'archive des Fortifications de Persépolis. État des questions et perspectives de recherche*, P. Briant, W. Henkelman and M. Stolper, (eds.), Paris: 275-301.
 - Razmjou, S. (2004). "The *lan* Ceremony and other Ritual Ceremonies in the Achaemenid Period: the Persepolis Fortification Tablets", *Iran* 42: 103- 117.
 - Root, M. C. (1990). 'Circles of Artistic Programming: Strategies for Studying Creative Process at Persepolis', in Gunter, ed., 115-139.
 - Root, M. C. (1996), 'The Persepolis Fortification Tablets'. Archival Issues and the Problem of Stamp Versus Cylinder Seals', in *Archives et Sceaux du monde hellénistique*. Boussac and Invernizzi, eds., Paris, pp 3-27.
 - Root, M. C. (1997). 'Cultural Pluralisms on the Persepolis Fortification Tablets', in Boussac, ed., 229-252.
 - Root, M. C. (1999). 'The Cylinder Seal from Pasargadae: of Wings and Wheels, Date and Fate', *Iranica Antiqua* 34: 157-190.
 - Root, M. C. (2008). 'The legible image: how did seals and sealing matter in Persepolis?', in Briant, Henkelman and Stolper, eds., 87-147.
 - Schmidt, E. (1953). *Persepolis*, vol. 1: *Structures, Reliefs, Inscriptions*. Chicago.
 - Schmidt, E. (1957). *Persepolis*, vol. 2: *Contents of the Treasury and Other Discoveries*. Chicago.
 - Steve, M.-J. (1992). *Syllabaire élamite. Histoire et paléographie* (Civilisations du Proche-Orient II.1), Neuchâtel - Paris.
 - Sumner, W.M. (1986). 'Achaemenid Settlement in the Persepolis Plain', *American Journal of Archaeology* 90: 3-31.
 - Tavenier, J. (2008). Multilingualism in the Fortification and Treasury Archives, in: *Les archives des Fortifications de Persépolis dans le contexte de l'Empire achéménide et de ses prédécesseurs, Actes du colloque organisé au Collège de France et au Centre de*

- l'Université de Chicago à Paris*, 3-4 Novembre 2006 (Persika 12), P. Briant, W.F.M. Henkelman & M.W. Stolper (eds.), Paris: 59- 84.
- Tuplin, C. (1998). The seasonal migration of Achaemenid kings:, in: *Achaemenid History XI: Studies in Persian History. Essays in Memory of David M. Lewis* M. Brosius & A. Kuhrt (eds.), Leiden: 63- 114.
- Vallat, F. (1974). 'La triple inscription cunéiforme de la statue de Darius I^{er} (DSab)', *Revue d'Assyriologie* 68: 157-166.
- Vallat, F. (1993). *Les noms géographiques des sources suso-élamites* (RGTC 11 = Beih. TAVO B 7/11), Wiesbaden.
- Vallat, F. (1997). L'utilisation des sceaux-cylindres dans l'archivage des lettres de Persépolis, in: *Sceaux d'Orient et leur emploi* (Res Orientales 10), R. Gyselen (ed.), Bures-sur-Yvette: 171-4.
- Wiesehöfer, J. (1996), *Ancient Persia, from 550 BC to 650 AD*. London [translation from *Das antike Persien: Von 550 v.Chr. bis 650 n.Chr.* München – Zürich 1994].

سدراف

.....